

تشکیل جبهه ضد امپریالیستی با کشورهای عضو جبهه پایداری از خواستهای مبرم روز است

خطر تجاوز نظامی مستقیم امپریالیسم آمریکا علیه ایران از مرحلهٔ اختراع، تهدید و تحریکات و توطئه‌های رنکارنک فراتر رفته و اینک به واقعیتی تبدیل گشته، که سخنگویان جدید کاخ سفید حتی از اعلام جزئیات برنامه چنین تجاوزی ابا ندارند. سخنگوی رسمی و مشاور ریگان، رئیس‌جمهور جدید آمریکا، اعلام میکند:

«ریگان باید بلافاصله پس از اشغال مقام ریاست جمهوری به ایران اوتیما توم بدهد و از ایران بخواهد در ظرف پنج روز گروگانها را آزاد کند. در غیر این صورت ما پس از بحث و مذاکره در کنگره به ایران اعلان جنگ میدهیم.»

دستگاه عظیم تبلیغاتی آمریکا بکار افتاده است، تا افکار مردم آمریکا و جهان را برای تجاوز نظامی علیه ایران آماده کند و تصمیم دولت آمریکا را برای چنین تجاوزی ناگزیر و موجه وانمود سازد. از سوی دیگر، محافل جنگ‌طلب آمریکا، با روی کار آمدن ریگان به تحقق طرحهای تجاوزی علیه ایران امیدوارتر شده‌اند و اصرار می‌ورزند که دولت ریگان به ایران اعلان جنگ دهد و به عملیات نظامی علیه ایران دست زند. بقیه در صفحه ۷

نبرد با اشغالگران به شدت ادامه دارد

جنايات تجاوزگران صدامی علیه اهالی غیر نظامی در گیلانغرب

* تعدادی تانک و انبار مهمات دشمن در جبهه‌های جنوب و غرب منهدم شد.

ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران، در اطلاعیه شماره ۳۷۶ خود، عملیات نیروهای مسلح انقلاب در روزهای گذشته را بدین شرح اعلام کرده است: بقیه در صفحه ۴

رزمندگان انقلاب همچنان مصممانه در سنگرهای نبرد با متجاوزین صدامی، دشمن رازیر ضربات خود گرفته‌اند. در ۲ روز گذشته نیز، ضربات مهلکی بر لشکریان متجاوز صدام وارد شد.

نامهٔ مردم
از گان مرکزی غرب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۲
یکشنبه ۲۸ دی ۱۳۵۹، مطابق با
۱۱ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها: ۱۵ ریال

در ادامه تدارکات برای حمله نظامی به ایران:

آمریکا به نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل آماده باش داد

* آمریکا از کشورهای «ناتو» خواست که نیروهای مسلح خود را بحال آماده باش در بیاورند.
* کیسینجر در قاهره با اویسی درباره سرنوشت جمهوری اسلامی ایران گفت‌وگو کرد.

آمریکا با دادن آماده باش بواحدهای نیروهای واکنش سریع در مصر و اسرائیل، برای مداخله نظامی در ایران آماده شده است. همزمان با این آماده باش، که بدنبال تدارکات وسیع نظامی در خلیج فارس انجام میشود، واشنگتن از کشورهای عضو «ناتو» نیز خواسته است که نیروهای مسلح خود را بحال آماده باش در بیاورند.

به گزارش خبرگزاری هند، واشنگتن برای تجاوز مسلحانه به ایران تدارک می‌بیند. گزارش‌هایی که از لندن به هند رسیده، حاکی از تهیه مقدمات مداخله مسلحانه آمریکا در ایران است. در محافل نظامی پایتخت انگلستان، آشکارا از انتقال واحدهای بزرگ چتر باز و دیگر واحدهای نیروی هوایی آمریکا به پایگاه جمهوری فدرال آلمان، اسپانیا، ترکیه و پایگاهها انگلستان در قبرس صحبت میشود.

منابع دیپلماتیک کشورهای خاور نزدیک گزارش می‌دهند که عملیات مداخله گرانه جدید از پایگاههای نظامی مصر، پاکستان و عمان انجام خواهد شد. خبرگزاری اطلاعاتی هند اضافه می‌کند که با احتمال قوی، تفنگداران دریایی آمریکا در بندرعباس پیاده میشوند.

روزنامه الشعب، چاپ بیروت، در شماره پیروز خود نوشت:

«هدف عمده بازدید اخیر کیسینجر، وزیر اسبق امور خارجه آمریکا، از اسرائیل، عربستان سعودی، مصر، عمان و سومالی، آنگاه و آماده کردن دست‌نشانندگان آمریکا در منطقه عربی خاورمیانه از امکان حمله مستقیم نظامی به ایران بود که می‌تواند بزودی انجام شود.»

به گزارش همین روزنامه، کیسینجر، که در قاهره با اویسی، درباره مراحل تدارک مقدمات سرنوختن ساختن جمهوری اسلامی ایران بحث و گفتگو کرده است، در دیدار با ژنرال ایقان، رئیس ستاد کل اسرائیل، صریحا اعلام کرد که اگر ایران خواست‌های آمریکا را در مورد آزادی «گروگانها» اجرا نکند، آمریکا به نیروی نظامی متوسل خواهد شد. کیسینجر در همین دیدار گفت که، نیروهای آمریکا در صورت لزوم به مصر و اسرائیل منتقل میشوند.

نامه «مردم» - امپریالیسم آمریکا همچنان چنگ و دندان نشان می‌دهد و برای حمله به مبین انقلابی ما آماده میشود. باید هشیار بود و خلق را برای مقابله با دشمن از هر باره بسیج کرد. در مقابل خلق متحد و یکپارچه ایران، زیر رهبری امام خمینی، آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند!

لیبرال‌ها و مسئله تسخیر انقلابی جاسوسخانه امریکا

به «کلوخ» اندازی کردند، که بالطبع مستحق پاداش «سنگ» اند. عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام و افشاگریهای آنان همراه با اسناد و مدارک بدست آمده از این لانه شیطان، به مال محروم جهان نشان داد که هر کجا «سفارتخانه» آمریکا مستقر است، جاسوسخانه‌ای به زبان منافع مردم آن سرزمین تعبیه شده است. این اقدام قهرمانانه دانشجویان به ملل مستضعف جهان بار دیگر اثبات نمود که آمریکا، علیرغم قدرت شیطانی و ماهیت جنمی‌اش، مغلوب اراده ملت‌هاست و هیچ غلطی نمیتواند بکند. این عمل انقلابی، که بار دیگر به ملل محروم جهان امید پیروزی بخشید و اعتماد بخود را در آنان تقویت کرد، استوار بر این ادله خرائین بود که امام خمینی گفتند:

«این (اشغال لانه جاسوسی) يك جنبه سیاسی داشت، يك ارزش سیاسی داشت که همه ارزشها پیش آن کوچک‌اند.» اما لیبرال‌ها همچنان نغمهٔ مخالف می‌سوزند. آنها میگفتند: «چریان گسروگ‌نگیری... برانگیختن احساسات عمومی جهان بر ضد انقلاب و جمهوری اسلامی... است.»

لیبرالها «گروگانگیری» را دلیل «انزوا» ایران، موجب تشدید بحران اقتصادی و سبب اصلی فشارهای سیاسی و اقتصادی آمریکا میدانستند. روند حوادث پس از انقلاب نشان داده است که از نظر بقیه در صفحه ۴

بنظر میرسد که «مسئله گروگانها» به پایان خود نزدیک میشود. بدین مناسبت مقید است که موضع لیبرالها را درباره تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و «گروگانگیری» جاسوسان آمریکائی بیاد بیاوریم. در زیر نمونه‌ای از موضع لیبرالها را در این زمینه یادآوری می‌کنیم. در آینده بتفصیل موضع لیبرالها را در این زمینه نشان خواهیم داد.

لیبرال‌ها، از اینهم فراتر رفتند و دانشجویان را «در خط شیطان»، «خودکامه» و «دولتی در داخل دولت» نامیدند، آنانرا متهم به اتخاذ شیوه‌های «ماکیالیستی» کردند و برای

تسخیر انقلابی جاسوسخانه آمریکا از سوی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که منجر به «گروگان» گرفتن جاسوسان آمریکائی شد، امواج نفرت توده‌های مردم کشور ما را از این امپریالیسم هار و مکار و متجاوز و سلطه‌گر، بلندتر و نیرومندتر بر دیواره‌های کاخ سفید کوبید.

امام خمینی اقدام دلارانه دانشجویان را تایید کردند، آمریکا را «شیطان بزرگ» و «دشمن اصلی» خواندند و از مردم خواستند که همه فریادهای خود را بر سر آمریکا بکشند و تمام سلاحهای خود را به سوی آمریکا نشانه روند. امام خمینی در ارزیابی عمل دانشجویان مسلمان گفتند:

«دانشجویان مسلمان مبارزی که لانه جاسوسی را اشغال کرده‌اند، با عمل انقلابی خودشان ضربه‌ای بزرگ بر یکر امریکای جهانخواه وارد آوردند و ملت را سرفراز کردند.»

لیبرال‌ها در مخالفت با این ارزیابی انقلابی از عمل «گروگان‌گیری» جاسوسان، اقدام دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را «تفص موازین بین‌المللی» خواندند و در شرایطی که امام خمینی آنرا «خواست‌ملت» می‌نامیدند، لیبرالها آنرا «خواست گروهی» و وسیله تسویه حسابهای شخصی نامیدند. آنها نوشتند: «خوب اینها تمایلات گروهی داشتند و گروگانگیری وسیله‌ای برای بعضی تسویه حسابهای گروهی شد.»

در صفحات بعد

چهرهٔ تجاوزکار امپریالیسم امریکا در سالوادور آشکار تو میشود

صفحه ۸

کارنامهٔ ۱۸ ماههٔ سیاست خارجی لیبرال‌ها (۳)

صفحه ۳

توطئه اخراج کارگران را باید خنثی کرد

صفحه ۴

هشدار سازمان حزب توده ایران در مهاباد:

باند‌های ضدانقلاب کردستان خود را تشدید کرده‌اند

سازمان حزب توده ایران در مهاباد با انتشار اعلامیه‌ای، ضمن اشاره به توطئه‌ها و زمینه‌سازیهایی ضدانقلاب، گروهک‌های مائوئیستی و لیبرالها در نقاط مختلف کردستان، به منظور ایجاد محیط مناسب برای اجرای توطئه امپریالیسم آمریکا، از همه مردم کردستان خواست تا به مقابله با این توطئه‌ها برخیزند و آنها در نطفه سرکوب کنند. اعلامیه، که روز ۱۲ دیماه ۵۹ منتشر شده، به شرح زیر است:

«با شکست مقتضحانه تجاوز نظامی رژیم جنایتکار بعث‌عراق، که به تحریک امپریالیسم آمریکا و با هدف سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته، امپریالیسم آمریکا تمام نیروهای چپینی خود را برای وارد آوردن ضربتی مهلک‌تر بر پیکر انقلاب ایران بسیج کرده و توطئه‌های خطرناک‌تر و گسترده‌تر از توطئه‌های پیشین را علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تدارک دیده است. امپریالیسم آمریکا در اجرای توطئه جدید خود، مسئله مداخله نظامی مستقیم و همچنین تجزیه ایران و ایجاد کشورهای جدیدی مانند «بلوچستان»، «کردستان» و «عربستان» را در دستور روز قرار داده است.

تشدید تدارکات نظامی امپریالیسم آمریکا در منطقه، طرح‌های ارضی نسبت به سه جزیره ایرانی در خلیج فارس از جانب محافل امپریالیستی، رد پیشنهادهای ایران برای آزاد کردن «گروگانهای» جاسوس، گسترش دامنه تبلیغات علیه رهبری انقلاب و روحانیت مبارز پیرو خط امام و سایر نیروهای انقلاب، تلاش برای ایجاد جدائی و کشمکش میان مسئولان دولتی، ایجاد تشنج و درگیری در برخی از شهرهای کشورمان و غوغا و جنجال «آزادیخواهی» لیبرالها، گوشه‌هایی از زمینه‌سازی دشمنان انقلاب و عناصر سازشکار و لیبرال برای اجرای توطئه جدید امپریالیسم آمریکاست.

باند‌های ضدانقلابی و جنگ‌افروز در کردستان، در همکاری خائنه با توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، سخت به تلاش افتاده و در تدارک حمله‌ای گسترده، با هدف به اصطلاح «آزاد کردن کردستان» هستند. داروسته قاسملو در آخرین نشست خود در آبانماه، نقشه گسترش حملات خود را به نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران و کردستان اعلام کرده است. تشدید حملات باند قاسملو و دیگر گروه‌های ضدانقلابی به نیروهای نظامی و شهرهای آذربایجانی‌نشین، از جمله میاندوآب، شهادت یسک عضو هیئت واگذاری زمین و سرپرست جهاد سازندگی در بیجار، به تشنج کشاندن مدارس در سقز و یانه و همزمان با این رویدادها، حمله مزدوران بعثی عراق، به مریوان، با همین هدف و در چارچوب توطئه جدید امپریالیسم آمریکا انجام می‌گیرد.

خلق قهرمان کرد!

انقلاب ایران لحظات سرنوشت سازی را از سر می‌گذراند. میهن انقلابی ما درگیر پیکاری همه‌جانبه با امپریالیسم آمریکا، این دشمن غدار خلقهای جهان و ایران است. ضدانقلاب، مائوئیستهای خائن، لیبرالها و ضدانقلابیون و جنگ‌افروزان در کردستان - همه و

همه در کار تدارک توطئه جدید امپریالیسم آمریکا برای وارد آوردن ضربت نهائی بر پیکر انقلابمان هستند.

دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در شرایط تاریخ ساز کنونی وظیفه هر ایرانی میهن‌دوست و هر کرد آزاده‌ای است. خلق کرد، که همواره بیشترین ظلم را از رژیم شاه جنایت‌پیشه و اربابش امپریالیسم آمریکا متحمل شده و مورد وحشیانه‌ترین شیوه‌های فشار و سرکوب و ستم ملی و طبقاتی قرار گرفته، باید به دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران برخیزد، توطئه‌های دشمنان انقلاب و مزدوران صدامی را افشا و سرکوب نماید، جیره‌خواران ناتو و رژیم جنایتکار عراق را قاطعانه از صفوف خود براند و مانع از تکرار تجربه تلخ کردستان عراق در ایران شود.

دفاع و حفظ و حراست از جمهوری اسلامی ایران در برابر امپریالیسم آمریکا، یگانه راه و مطمئن‌ترین راه برای دستیابی به حقوق حقه خلق کرد است، که امام خمینی، در پیام تاریخی خویش، احقاق آن را نوید می‌دهند.

ما به مردم انقلابی کرد هشدار می‌دهیم و خلق قهرمان کرد را فرامی‌خوانیم که در سرکوب توطئه جدید امپریالیسم آمریکا:

- اتحاد و هوشیاری انقلابی خود را حفظ کنند و شایعه‌سازیها و تحریکات عمال بعثی عراق را، که سعی در ایجاد تشنج و زمینه‌سازی در جهت اهداف شوم خود دارند، خنثی کنند.
- متحدانه و دوشادوش نیروهای مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در برابر باند‌های ضدانقلاب و جنگ‌افروز بیخیزند و نگذارند که بار دیگر شهرهای کردستان و خانه کاشانه مردم رنج‌دیده کرد سنگر مزدوران بعثی عراق گردد.

مقامات مسئول و متعبد جمهوری اسلامی ایران و دست‌اندرکاران مسئله کردستان برای خنثی کردن توطئه جدید امپریالیسم آمریکا، منفرد کردن ضدانقلاب و جلب توده‌های رنج‌دیده کرد به دفاع از جمهوری اسلامی ایران، وظایف خطیری بر عهده دارند. امر بسیج و تجهیز توده‌های مردم و نیروهای مومن به انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که بارها آمادگی خود را برای دفاع از وطن انقلابی اعلام کرده‌اند، جدی‌ترین و فوری‌ترین وظیفه مقامات مسئول کردستان در لحظه حساس کنونی است. توجه اساسی به خواسته‌های خلق کرد و از جمله قطعنامه ۸ ماده‌ای شورای مساجد شهر مهاباد، رفع تشنجات از کارمندان دولتی، پایان بخشیدن به انحلال آموزش و پرورش در بعضی از شهرهای کردستان و اعلام عفو عمومی، کمک موثری به حل مسئله کردستان و تقویت جبهه انقلاب خواهد کرد.

در راه مقابله با توطئه جدید امپریالیسم آمریکا و دشمنان انقلاب در کردستان، سازمان حزب توده ایران در مهاباد، به پیروی از منی انقلابی حزب خود، آماده هرگونه فداکاری و جانفشانی برای دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است.

تحویل بگیرد، اما لیبرالها که از آغاز مخالف «گروگانگیری» و نگاهداری «گروگان‌های» جاسوس بودند، ناگهان طرفدار ادامه حفظ «گروگانها» شدند و به فغان درآمدند که، زمان‌رهایی «گروگانها» مناسب نیست، آنها نوشتند:

«در بدترین شرایط سیاسی ممکن خواسته‌اند مسئله را حل کنند.»

آنها حتی با شرایط مجلس شورای اسلامی هم مخالفت کردند و آنرا متضمن تامین منافع ایران ندانستند! آنها گفتند:

«چهار شرط مجلس نه تنها منافع از دست رفته ما را تامین نمیکند، بلکه ضررهای در بر خواهد داشت!»

لیبرالها، همچنانکه در دوران دولت موقت، در سراپای وجود امپریالیسم آمریکا، عیب و نقصی نمیدیدند و با دشمن اصلی مردم ایران خواهان ملاقات و مذاکره و «حل» مسائل فیما بین بودند، در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم آنرا انتخاباتی «آزاد»، مبتنی بر «آراء آزاد مردم» قلمداد کردند و آن عامل موثر و قاطعی را که سرنخ روسای

تحویل بگیرد، اما لیبرالها که از آغاز مخالف «گروگانگیری» و نگاهداری «گروگان‌های» جاسوس بودند، ناگهان طرفدار ادامه حفظ «گروگانها» شدند و به فغان درآمدند که، زمان‌رهایی «گروگانها» مناسب نیست، آنها نوشتند:

«در بدترین شرایط سیاسی ممکن خواسته‌اند مسئله را حل کنند.»

آنها حتی با شرایط مجلس شورای اسلامی هم مخالفت کردند و آنرا متضمن تامین منافع ایران ندانستند! آنها گفتند:

«چهار شرط مجلس نه تنها منافع از دست رفته ما را تامین نمیکند، بلکه ضررهای در بر خواهد داشت!»

لیبرالها، همچنانکه در دوران دولت موقت، در سراپای وجود امپریالیسم آمریکا، عیب و نقصی نمیدیدند و با دشمن اصلی مردم ایران خواهان ملاقات و مذاکره و «حل» مسائل فیما بین بودند، در جریان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا هم آنرا انتخاباتی «آزاد»، مبتنی بر «آراء آزاد مردم» قلمداد کردند و آن عامل موثر و قاطعی را که سرنخ روسای

در جنگ عادلانه بر ضد رژیم صدام حسین و برای دفاع از میهن انقلابی شرکت کنیم!

راننده زحمتکشی در شیراز گفت:

اگر «نامه مردم» نباشد، من شبها نمیتوانم بخوابم

رفیقی که نامه «مردم» را در شیراز پخش میکند، در نامه‌ای می‌نویسد:

«طبق روال هر روز، نامه «مردم»، این پیام‌آور امید و آزادی را در کیوسکهای پخش می‌کند. تقریباً کارم در حال تمام شدن بود و به آخرین کیوسکی که می‌بایست نامه «مردم» می‌دادم، رسیده بودم، که در این لحظه یک وانت‌بار جلوی کیوسک توقف کرد و راننده آن، که یک مرد میانسال بود، از آن خارج شد و بطرف کیوسک آمد. هنوز کاملاً به کیوسک نزدیک نشده بود، که با لجه شیرین آذربایجانی و با صدای بلند گفت:

«آقا به بخشید مردم امروز ندارید؟»

چهره‌اش بیاتگر سالها رنج و استعمار بسود. سیبل‌های خاکستری رنگی در چهره‌اش درخشش خاص ایجاد کرده بود، درخششی که پیام‌آور امید و آینده روشن بود. آینده‌ای که در آن، زحمتکشان از بند و اسارت استعمار و بهره‌کشی‌فرد از فرد آزاد هستند. شیوه‌های درشت دستپايش از شدت کار ترک‌دار شده بودند.

صاحب کیوسک گفت:

«مردم دیروز هم داریم و فردا امروز هم الان آوردند.»

راننده سبس متوجه شد که من نامه «مردم» را در کیوسکها پخش میکنم. با لبخندی گرم دستش را بطرف من دراز کرد، دستی که گرمی و عشق و اعتماد نه به من، بلکه به حزبش، حزب توده ایران، از آن می‌تراوید.

وقتی من هم یه‌زبان آذربایجانی جواب تشکرش را دادم، گفت:

«از زحمتی که در راه زحمتکشان و حزب می‌کشید، آینده و تاریخ‌سپاسگزار خواهد بود.»

سبس با همان لبخند گرم خود نامه «مردم» را با دقت تا کرد و خداحافظی نمود و بطرف وانت‌بار خود رفت، تا راهی یک شهر دیگر شود و نامه «مردم» فردا را در آن شهر بخواند.

جنایات تجاوزگران...

بقیه از صفحه ۱

در روز ۲۵ دیماه شهر آبادان، بطور متناوب زیر آتش توپخانه نیروهای مزدور ارتش عراق قرار داشت که خساراتی نیز در بر داشته است. متقابلاً از سوی توپخانه و سلاحهای سنگین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، مستقر در جبهه آبادان به آتش مزدوران، پاسخ داده شد. در روز ۲۵ دیماه در جبهه‌های دزفول، رزمندگان نیروی زمینی، با آتش توپخانه و آتش سلاحهای دیگر مواضع دشمن و مزدوران صدام کافر را زیر آتش شدید خود قرار دادند و از ساعت ۱۴ پیروز (پنجشنبه) نیز، مزدوران ارتش عراق، هدفهای غیرنظامی را که اکثراً شهر دزفول و روستاهای اطراف است، زیر آتش توپخانه دوربرد خود قرار دادند و در نتیجه ۶ نفر از هم‌میهمان عزیزمان شهید و مجروح شدند و خساراتی به منازل مسکونی و خودروهای اهالی شهر دزفول وارد شد.

فصاحتیهای رزمندگان نیروهای مسلح در جبهه‌های اطراف آبادان که اکثراً با اجرای آتش توپخانه و سلاحهای سنگین بر روی مواضع دشمن انجام گرفته، این ضایعات و خسارات را به دشمن وارد ساخت: در یکی از جبهه‌های آبادان، ۳ دستگاه تانک، ۲ قبضه خمپاره‌انداز، یک انبار مهمات و تعداد زیادی از سنگرهای اجتماعی و انفرادی مزدوران ارتش عراق به آتش کشیده و منهدم شد. کشته‌های دشمن در این محور بیش از ۸۰ نفر بوده است. در

جبهه دیگر آبادان بر اثر آتش نیروهای دلاور ما، حدود ۱۵ نفر از دشمنان انقلاب اسلامی کشته و ۲ تانک، ۳ خودرو و یک انبار مهمات ارتش صدام مزدور منهدم شد.

روز ۲۵ دیماه در اکثر جبهه‌های غرب، مبارزه آتش توپخانه و سلاحهای سنگین صورت پراکنده، بین نیروهای قهرمان ما و دشمن ادامه داشته است و در عملیات «تنگه حاجیان»، باز هم ۴ نفر از سربازان مزدور ارتش عراق به اسارت دلاوران اسلام درآمدند.

همچنین پیروز (پنجشنبه) در جبهه دهلران، بر اثر آتش خمپاره‌انداز رزمندگان زاهدانمری، یک دستگاه تانک و مقادیری از منهدم شدو خدمه آنها نیز به هلاکت رسیدند.

روز ۲۵ دیماه، ۳ فروند هواپیمای متجاوز عراقی بوسیله رادار در پایگاههای ایلام و بوشهر، کشف شد، که با اجرای آتش پدافند هوایی نیروهای مستقر در منطقه متواری شدند.

در ساعت ۱۳:۳۰ با مبادا دیروز (جمعه)، نیروهای ارتش مزدور صدام جنایتکار با پرتاب دوموشک به شهرستان گیلانغرب، حدود ۱۰ خانه مسکونی را در این شهر ویران کردند. اما سلحشوران مسلمان این منطقه مرزی، همچنان با حفظ روحیه قوی و رزمندگی در دفاع از میهن اسلامی، مصممند و می‌دانند اینگونه جنایتها، ناشی از ترس دشمن و نشانه زوال و شکست قوای کفر است.

لیبرال‌ها...

بقیه از صفحه ۱

لیبرالها احساسات عمومی جهان، همان دولتهای امپریالیستی هستند که چشم دیدن انقلاب ایران را ندارند، زیرا این انقلاب، کل «منافع ملی و حیاتی» آنان را در منطقه به خطر افکند است؛ همان دولتهای ارتجاعی دنیا هستند که انقلاب ایران را زنگ خطر میدانند؛ همان دیکتاتورها، حکام و امیران دست‌نشانده منطقه هستند، که انقلاب ایران و سرنوشت محمد رضا خواب از چشمتان ربوده و رویای‌های طلای‌شان را آشفته ساخته است.

زمانی که امام خمینی، اشغال جاسوسخانه را «انقلابی بزرگتر از انقلاب اول» خواندند، لیبرالها، آنرا اقدامی انحرافی ارزیابی کردند و گفتند:

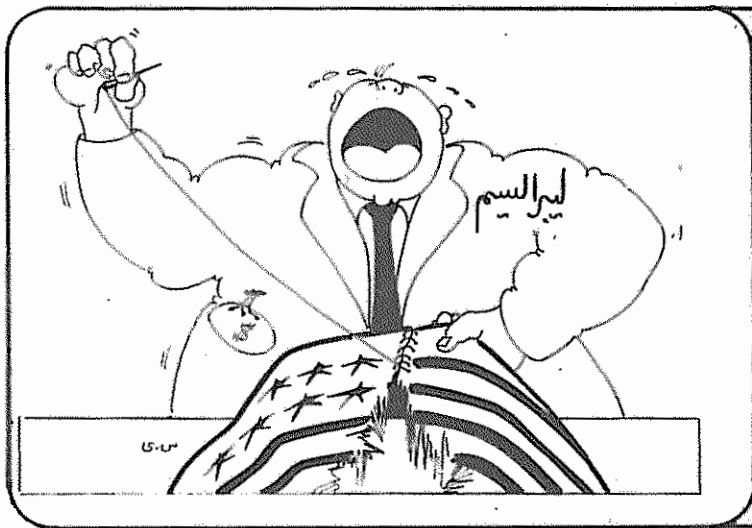
«گروگان گرفتن ۵۳ آمریکائی... مبارزه اصولی و بی‌اهالی را که علیه امپریالیسم پی‌ریزی میشد، به انحراف کشید.»

در حالیکه مردم از لیبرالها، نه تنها مبارزه‌ای علیه امپریالیسم ندیدند، که به انحراف کشیده شود، بلکه انحرافی دیدند که مبارزه مردم را علیه امپریالیسم خدشه‌دار میساخت.

سرنجام آن زمان فرارسید که امپریالیسم آمریکا میبایست با پذیرش شرایط مجلس شورای اسلامی ایران، جاسوسان خود را

کارنامه ۸ ماهه سیاست

خارجی لیبرال ها ۳



صادق قطبزاده: نظر من به کارتر نظر مثبتی است!

قطبزاده با عمل انقلابی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در تسخیر لانه جاسوسی آمریکا مخالف بود و برای آزادی گروگانهای جاسوس تلاش میکرد.

اتحاد شوروی محاصره اقتصادی ایران را «وتو» می کند، قطبزاده به آن یادداشت اعتراض آمیز تسلیم می کند!

امریالیسم آمریکا، که در تلاشهای خویش برای مسخ انقلاب ایران و یا سرکوب آن، موفق نشده بود و تسخیر لانه جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام بسیاری از طرحهای توطئه آنرا نقش بر آب کرده و ماسک ربا از چهره بسیاری از وابستگان خیانتکار آن دریده بود، به اعمال فشار بر انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در صحنه جهانی روی آورد. دولت آمریکا به اتفاق متحدانش در شورای امنیت سازمان ملل متحد، درصدد اعمال محاصره اقتصادی ایران برآمدند، تا جمهوری اسلامی ایران را به تسلیم وادارند. پیشنهاد آمریکا برای محاصره اقتصادی ایران، در شورای امنیت، ۱۵ رای موافق، دو ممتنع (مکزیک و بنگلادش) به دست آورد، جمهوری دموکراتیک آلمان به آن رای مخالف داد و اتحاد شوروی با استفاده از حق خود، این توطئه خائنانه را «وتو» کرد و بدینسان آنرا نقش بر آب نمود.

رد شدن طرح محاصره اقتصادی ایران در شورای امنیت، پیروزی عظیمی برای انقلاب و جمهوری اسلامی ایران و شکست بزرگی برای امریالیسم و ارتجاع جهانی، به سرکردگی امریالیسم آمریکا بود. این آزمون بار دیگر جنبه دوستانه انقلاب ایران را از جنبه دشمنان توطئهگرش جدا ساخت و به مسئولین جمهوری اسلامی ایران، ضرورت حیاتی برقراری مناسبات دوستانه با جنبه ضد امریالیستی جهانی و مقابله قاطع با توطئههای جنبه امریالیستی جهانی را یادآوری کرد. اما امریالیستها، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، و پیروان ایرانی خط سازش با امریالیسم، از این امر به هیچوجه خشنود نبودند. آنها به دنبال راهی می گشتند تا امریالیسم آمریکا را، که به واسطه این توطئه خائنانه، آماج خشم تودههای انقلابی مردم ایران قرار گرفته بود، از زیر ضربه خارج سازند و دشمن موهومی را به جای آن بنشانند، و چه بهتر اگر این «دشمن»، در واقع مدافع پیگیر و صادق انقلاب ایران نیز باشد. توطئه بر این اساس و با این هدف شوم طرحریزی شد. در اوج

سکان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پس از سقوط دولت موقت لیبرالها، پس از دوران کوتاهی، به دست صادق قطبزاده سپرده شد، که قبل از آن، سرپرست صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران بود. در این دوران قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تدوین و تصویب شده بود و برخلاف ۹ ماه گذشته، اصول و مبانی معینی برای سیاست خارجی ایران وجود داشت، که می توانست برای مسئولین این وزارتخانه، راهنما و شاخص باشد. اما متأسفانه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، طی تمام دورانی که صادق قطبزاده در بالاترین مقام مسئول آن قرار داشت، از خط پیشین خویش حتی ذره ای نیز منحرف نگردید. برعکس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوران گامهای تازه بر روی خط پیشین برداشت.

طی دوران تصدی صادق قطبزاده در پست وزیر امور خارجه، کشور ما با ۴ توطئه خطرناک و عظیم امریالیسم و ارتجاع جهانی، بسرکردگی امریالیسم آمریکا، برای نابودی انقلاب و جمهوری اسلامی ایران مواجه گردید. در میان ارگانهای دولتی، وزارت امور خارجه مهم ترین و حساس ترین وظیفه را در مقابله با این توطئههای خطرناک ضد انقلابی برعهده داشت. وزارت امور خارجه ایران می بایست فریاد اعتراض خود را علیه این توطئهها به گوش همه جهانیان برساند، نیت واقعی امریالیسم آمریکا و متحدان و دستیاران و دست نشاندهانش را افشا کند، دوستان و متحدان خویش را در جنبه پایداری، در میان کشورهای غیرمتعهد، در جنبه نیروهای ضد امریالیستی بیاید و از آنها یاری بطلبد و در سطح جهانی، تضمینهای مطمئن برای حراست از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران پدید آورد. اما وزارت امور خارجه قطبزاده در اندیشههای دیگری بود.

سیاست

«موازنه منفی»

علیه قانون اساسی

قطبزاده در نخستین مصاحبه خود، که در تاریخ ۲۶ آذر ماه ۵۸ با روزنامه «بامداد» انجام داد، «رئوس سیاست خارجی» خود را اعلام داشت. این «رئوس» نه تنها مبهم بود، بلکه با نص صریح قانون اساسی نیز، که به تازگی تصویب شده بود، تفاوت فاحش داشت. قطبزاده، در این مصاحبه، از اصل عدم تعهد و نیز از اصل حمایت از مبارزه حق طلبانه مستضعفین، در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت های دیگر، که در قانون اساسی هست - اصلاً نامی نبرد، بالعکس، «موازنه منفی» را یکی از اصول سیاست خارجی خود اعلام داشت، که در قانون اساسی وجود ندارد. قطبزاده یکی از اصول سیاست خود را چنین اعلام کرد:

«سیاست موازنه منفی بر مبنای رعایت صداقت در سخن و عمل».

قطبزاده با اعلام سیاست «موازنه منفی» - به شرط رعایت صداقت در سخن و عمل - در واقع کشورهای ضد امریالیستی را در ردیف دولت های امریالیستی قرار می داد. دوری جستن یکسان، هم از دوست و هم از دشمن، - اگر صادقانه هم باشد - در بهترین حالت به انزوی «صادقانه» می انجامد و در عمل و در آخرین تحلیل - خواه ناخواه - به سود دشمن است، چه رسد به این که سیاست «موازنه منفی» فقط ابزاری برای مقابله با دوست باشد، چنان که در دوران وزارت امور خارجه قطبزاده چنین بود.

بین جهان اسلام و شوروی مورد بحث قرار خواهد گرفت.

ولی در مورد مساله حضور نظامی آمریکا در افغانستان، آشنایان گفت که این مسئله در دستور کار کنفرانس گنجانده نشده است!

شرکت ایران در کنفرانس آمریکایی اسلام آباد از جانب بسیاری از گروه های مسلمان در ایران، از جمله دانشجویان مسلمان بیرو خط امام، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، طلاب حوزه علمیه قم و سنا باسداران قم، محکوم شد، ولی قطبزاده اعتراض افکار عمومی مردم ایران به شرکت ایران در این توطئه امریالیستی را «کار حزب توده» نامید! او افزود که: «این سفر در جهت اجرا و حفظ استقلال ایران است!»

ولی در قطبنامه کنفرانس حتی کلمه ای هم علیه توطئه های آمریکا بر ضد ایران گنجانده نشده بود! افکار عمومی مردم ایران به جانب کنفرانس آمریکایی اسلام آباد و جنجالهایی که وزارت امور خارجه ایران در این باره برپا کرده بود، متوجه بود که، «جاسوس آمریکایی، که به هنگام تسخیر لانه جاسوسی گریخته و در سفارت کانادا مخفی شده بودند، با پاسپورت های جعلی، که به مهر جعلی عبور ممبر بود، به کمک سفارت کانادا از ایران گریختند! صادق قطبزاده، وزیر امور خارجه طی یک مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که، از این واقعه هیچ گونه اطلاعی نداشته است!

وزیر امور خارجه کانادا، پس از این واقعه، ضمن ستایش از تایلور، سفیر این کشور در تهران، از «لحظه بسیار مناسبی» که او برای فرار دادن جاسوسان آمریکایی انتخاب کرده بود، تقدیر کرد! این «لحظات بسیار مناسب» را، خبرگزاری رویتر، از جمله «سروصدا» های کنفرانس اسلامی پاکستان در باره دخالت شوروی در افغانستان توصیف کرد!

چگونه شاه مخلوع در پاناما دستگیر شد!

بررسی «سیاست خارجی» دوران قطبزاده، بالاچار برخی مسائل را مطرح می سازد که هر چند برای نشان دادن این که چگونه می توان سرنوشت یک انقلاب را به بازی گرفت و آنرا بی اعتبار کرد، شایسته توجهند، اما در واقع مایه نهایت تأسف و تحیرند. دوره ۹ ماهه وزارت امور خارجه قطبزاده، که ۹ ماه حساس و پرمخاطره در حیات مردم ایران و در سرنوشت انقلاب ایران است، از این گونه وقایع، که تنها نام «بازی» می توان بر آن ها نهاد، مشحون است. نمونه بارز و جالب این گونه وقایع که نشان میدهد چگونه می توان - در به بازی گرفتن سرنوشت ۳۵ میلیون انسان، گستاخ بود، ماجرای «دستگیری شاه مخلوع در پاناما» است.

وزارت امور خارجه، در ۳ بهمن ماه ۵۸، دوروز قبل از انتخابات ریاست جمهوری اسلامی ایران - که یکی از نامزدهای آن صادق قطبزاده بود - طی یک اطلاعیه رسمی اعلام داشت که: رئیس جمهور پاناما، ساعت ۳:۳۰ دقیقه جمعه آن روز، تلفنی با صادق قطبزاده تماس گرفته و اعلام کرده است که شاه مخلوع در بازداشت دولت پاناما است. قطبزاده، در ساعت ۱۱ صبح، در گفتگوی اختصاصی با روزنامه کیهان، اعلام کرد که:

برای این که شاه را بتوانیم به ایران برگردانیم، باید مدارک مورد نظر دایر بر جنایتکار بودن دزد بودن او را به پاناما بفرستیم. در همان روز، کیهان، به نقل از خبرگزاری فرانسه در پاناما، گزارش داد که: سخنگوی کابینه جمهوری پاناما از خبر دستگیری شاه مخلوع اظهار بی اطلاعی کرده است! قطبزاده فردای آن روز، طی یک نشیبه در صبح، ۶

وزیران امور خارجه کشورهای جبهه پایداری (سوریه، الجزایر، لیبی، جمهوری دموکراتیک خلق یمن و سازمان آزادی بخش فلسطین) در دمشق به کار خود پایان داد. در سند نهایی این کنفرانس «سیاست تجاوزکارانه امریالیسم آمریکا و مانورهای خطرناک آمریکا در خاورمیانه و نزدیک سواحل ایران» محکوم شده بود. در سند گفته شده بود:

«آمریکا دربارۀ ایران و افغانستان هیاهو به راه انداخته است تا به روی طرحهای تجاوزکارانه خود سرپوش گذارد».

در همان زمان کنفرانسی از کشورهای مرتجع و ضد خلقی وابسته به امریالیسم آمریکا، به دستور آمریکا و با پادوئی ضیاءالحق در اسلام آباد، پایتخت پاکستان، تشکیل شد. هدف این کنفرانس آن بود که بر توطئه های امریالیسم آمریکا علیه خلق های منطقه سرپوش گذارد و انتظار را متوجه اتحاد شوروی سازد. کنفرانس ظاهراً «برای دفاع از «مسلمانان» افغانستان تشکیل شده بود، اما تشکیل دهندگان آن، که همگی ید طولانی در کشتار مسلمانان انقلابی کشورهای خویش دارند، ماهیت این کنفرانس «اسلامی» را افشا می کردند. عربستان سعودی، سلطان نشین عمان، بنگلادش، پاکستان، مصر، اندونزی، سودان، مراکش، بحرین و نظایر آن ها در این کنفرانس گرد آمده بودند. بی شک جای ایران انقلابی، نه در کنار این دست - نشاندهگان امریالیسم، بلکه در کنار کشورهای انقلابی عضو جبهه پایداری بود که همچون ایران در حال جنگ با آمریکا به سر می برند. اما درحالی که ناوهای هواپیمابر «نیمتیس»، «میدوی»، «کیتی» - هاوک» و «فورتول» با انبوه عظیمی از سلاح های مدرن در آب های مجاور سواحل ایران رژه می رفتند و پایگاه های مصر و عمان و بحرین و اسرائیل جهت نیاده شدن نیروی مداخله گر ۱۱۰ هزار نفری «واکش سریع»، آماده می شدند، نماینده وزارت خارجه جمهوری اسلامی ایران به کنفرانس آمریکایی اسلام آباد رفت.

کنفرانس اسلام آباد روز ۷ بهمن ماه ۵۸، به ریاست سرسپرده معروف امریالیسم آمریکا، یعنی «آقاشاهی» تشکیل شد: وی از همان آغاز اعلام کرد که: «بدون شک در این کنفرانس مسائلی مانند تحریم بازی های المپیک در مسکو و یا قطع روابط دیپلماتیک

توطئه های ضد انقلابی حزب آمریکایی «خلق مسلمان»، ابتدا اعلامیه معمولی در تبریز پخش شد که ادعا می کرد، جمهوری اسلامی ایران از کشورهای سوسیالیستی کمک نظامی دریافت می کند. سپس خبرگزاری امریالیستی فرانسه، از قول کاردار اتحاد شوروی در مکزیکو، خبری جعلی مخابره کرد که ادعای فوق را تأیید می کرد. خبر جعلی مذکور توسط خبرگزاری پارس و سپس صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران پخش شد. وزارت امور خارجه قطبزاده، بدون هیچ گونه تحقیقی برای روشن ساختن درستی یا نادرستی خبر، یادداشت اعتراضی تند و تند به اتحاد شوروی تسلیم کرد! حتی پس از آن که کذب خبر آشکار شد و خبرگزاری رسمی شوروی این خبر را صریحاً تکذیب کرد و پخش آنرا «توطئه کثیف و مفتضح» نامید، قطبزاده یادداشت اعتراض خود را پس نگرفت!

قطبزاده، در تمام دوران تصدی پست حساس وزارت امور خارجه، نشان داد که گوش حساسی برای اخبار جعلی خبرگزاری های امریالیستی علیه دوستان انقلاب ایران و مصالح جمهوری اسلامی ایران دارد و همواره این اخبار را که در «لحظات حساس»، به منظور انحراف افکار مردم ایران از توطئه های واقعی امریالیسم آمریکا، جعل و پخش می شوند، سکه نقد می گیرد و آن ها را راهنما و راهگشای سیاست خویش می شمارد.

چندی بعد از این واقعه، درست در بجهه تهدید نظامی ایران توسط امریالیسم آمریکا، خبرگزاری امریالیستی یونایتد پریس خبری جعلی درباره حضور نیروهای شوروی در مرز ایران منتشر ساخت، که از صدای آمریکا نیز پخش شد. قطبزاده بر اساس این خبر جعلی، در مصاحبه با روزنامه «نیگارو»، از نشریات بورژوازی امریالیستی فرانسه، گفت:

«ما هشیارانه نگران حضور تانک های شوروی در چند کیلومتری مرزهای خود با افغانستان هستیم. (جمهوری اسلامی، ۳۰ دی ماه ۵۸) خبرگزاری رسمی شوروی «تاس» و سپس خود «صدای آمریکا» این خبر را تکذیب کردند. اما قطبزاده سکوت را ترجیح داد.

کنفرانس آمریکایی اسلام آباد

در اواخر دی ماه ۵۸، کنفرانس

توطئه اخراج کارگران را باید خنثی کرد

اخراج کارگران می تواند ضربات جدی بر انقلاب وارد سازد. با اقدام های فاع و انقلابی، باید از اخراج بی رویه کارگران جلوگیری کرد.

کارفرماها و مدیران طاغوتی، با اخراج کارگران، در مدارک توطئه های امپریالیسم آمریکا شرکت دارند.

در روزهای اخیر، بخصوص پس از اوج گیری جنگ تحمیلی رژیم صدام، حرهای بسیاری از اخراج کارگران در کارگاه ها و موسسات دولتی و خصوصی می رسد.

کارفرماها و مدیران طاغوتی کارگران را به بهانه های مختلف از کار اخراج می کنند. به عنوان نمونه: در شرکت نفت فلات قاره منطقه "بهرگان" امام حسین، از توابع استان بوشهر، که قبلاً بنام "سریپ" فعالیت می کرد، به دستور رئیس منطقه، ۶۰ نفر از کارگران اخراج شدند.

این کارگران بیگانه هستند و هر یک بین ۲ تا ۱۵ سال سابقه کار دارند. رئیس شرکت کارگران را به دلیل نبودن کار اخراج کرده است.

در شرکت غذایی "پرشن کیت" بوشهر نیز ۶۰ نفر از کارگران را اخراج کرده اند.

در کارگاه های کوچک و بزرگ، تولید مواد غذایی و کارگاه های صنعتی سیر کارگران را به علت کمبود مواد اولیه اخراج می کنند.

در شرایط حساسی که بر کشور حاکم است، امپریالیسم جهانی و در رأس آن امپریالیسم آمریکا، سعی خواهد کرد که از با سامانی ها و کمبودهای موجود نهایت استفاده را بکند. امپریالیسم آمریکا، پس از شکست ششمین توطئه خود، که از طریق تجاوز رژیم صدام به خاک میهن مان صورت گرفت، هم اکنون با ایجاد درگیری و تشنج، توطئه هفتم خود را تدارک می بیند.

از جمله وسایلی که دشمنان انقلاب ایران در اختیار دارند، استفاده از کارفرماها و مدیران طاغوتی است. ار همین روست که کارفرماها و مدیران طاغوتی سعی می کنند با خرابکاری و ایجاد ناراضی بین کارگران، از تشنج و گسترش انقلاب جلوگیری کنند.

کارفرماها و مدیران طاغوتی، با اخراج بی رویه کارگران، می توانند ضربات جدی و حیران ناپذیری بر انقلاب وارد کنند، زیرا آن ها از سویی جو نارضایتی و بدبینی را در بین کارگران افزایش می دهند و از سویی دیگر و خرابکاری بدهد، احتراز نمایند.

کارگران کارگاه های تهیه ظروف آلومینیومی و روی:

ماید و خط امامیم و امیدواریم خط امام پیش برود

در تهران حدود ۱۲۰ کارگاه تهیه ظروف هست. ما برای آشنایی وضع این صنف به سراغ کارگاهها رفتیم و با چندتن از صاحبان کارگاهها و کارگران به صحبت نشستیم. ظروف آلومینیومی و روی، که در این کارگاهها تهیه میشود، از مرحله "گردی" آغاز میشود. کارخانه اصلی تهیه ورفها و مواد اولیه در اراک است و بعد از انقلاب در اختیار وزارت صنایع و معادن قرار گرفته است.

یکی از صاحبان کارگاهها، واقع در باغ فردوس، بنام حسن نکو، در این مورد میگوید: "بعد از انقلاب کارخانه تهیه آلومینیوم با کمبود تولید مواجه شده و سیاست غلط مدیران این کارخانه باعث شده که ما ظرفیت تولیدی خود را به کلی از دست بدهیم، و در نتیجه کارگران بسیاری بیکار شده اند."

و ادامه میدهد: "هنوز کارخانه همان ضوابط طاغوتی را اجرا می کند، یعنی اینکه به عوض اینکه ورق را در اختیار ما بگذارد، در اختیار سرمایه دارهای بزرگ، که بکار نورد مشغولند، میگذارد و آنها چینی را که کارخانه به قیمت ۱۲ تومان در اختیار آنها گذاشته به ما که صاحب کارگاههای کوچک هستیم، به قیمت ۲۳ تومان میدهند."

و در جواب اینکه: "چه کار باید کرد"، میگوید: "باید این ضوابط طاغوتی مدیران فروش - که به رشوه خواری مشغولند - از بین برود و جنبش مورد لزوم ما را در اختیار اتحادیه صنفی یا تعاونی بگذارند."



مواد اولیه کارخانه تامین بشود و بیکاری تمام شود

یعنی هر کیلو ۳ ریال و روزانه در مجموع ۲۰۰ کیلو کار می کنیم. از بیمه و سندیکامی پرسیم. جواب میدهد: "داریم و از مبارزاتش در دوران انقلاب میگوید: "۴ روز زندان بودم و کتک زیادی خوردم!" وی انتظارش از دولت این است که به وضع رفاهی کارگران رسیدگی کند. ضمناً به علت عدم تامین مادی، ترک تحصیل کرده است.

یکی از همکاران وی، که سابقه ۶ سال کار دارد (بسیار روزی ۱۰۰ تومان درآمد) میگوید: "انقلاب کردیم، ولی برای کارگران بیشتر محرومیت ها هنوز هست."

وی میگوید: "دولت باید به وضع ما رسیدگی کند." محمدعلی نیکبخت، یکی دیگر از کارگران میگوید: "من پیرو خط امامم و امیدوارم که خط امام پیش برود."

حسن کارگری از کارگاهها، میگوید: "باید دولت ایران با کشورها بی که خواهان رابطه عادلانه بازرگانی هستند، مانند شوروی و سایر کشورهای دیگر سوسیالیستی رابطه برقرار کند و مواد خام ضروری را تهیه کند، تا این بیکاری از بین برود."

علمدار حیدری میگوید: "در کارخانه اراک هنوز کارشکنی میکنند. خیلی از کارگاهها خوابیده و کارگران بیکارند."

کارگران این کارگاهها اکثراً جوانند و دستمزدهای آن ها روزانه از ۵۰ تومان تا ۱۲۰ تومان است. ضمناً عده ای از آنها کیلوئی کار می کنند.

علی احمدی (۱۷ ساله) میگوید: "من کیلوئی کار می کنم،"

با وجود فضای مسموم کارگاهها و خطرات ناشی از کار کارگران، از هرگونه وسایل ایمنی کارو لباس بی بهره اند. با این همه کارگران به انقلابشان امیدوارند. آنها حق دارند از تضمین شغلی برخوردار شوند و با رنج و محرومیت دوره طاغوت برای همیشه وداع گویند!

انقلاب باید پیش زندگی نوینی برای آنها باشد

در کوره های آهک پزی فارس چه می گذرد؟

کوره ها را گسترش دهند و هم چنین با تهیه بیل مکانیکی و تسهیل نقلیه کار را راحت تر انجام دهند.

خواست کارگران اینست که: از تمام مزایای قانونی کارگران استفاده کنند و با اینکه دولت زمینی در اختیار آنها قرار دهد، تا به کار کشاورزی بپردازند.

یکی از کارگران میگوید: "اخیراً جهاد سازندگی برای رفع کمبود زمین در روستای "لیو"، اقدام به حفر کانال جهت خشک کردن مرداب بزرگی در نزدیکی این روستا کرده است. با خشک کردن این مرداب زمینهای وسیعی برای کشت آماده میشود و با تقسیم این زمین ها بسیار از خوش نشین ها ما حب زمین خواهند شد."

اگر تقسیم زمین در سطح کشور انجام شود، در آن صورت دیگر کشاورزان بی زمین نخواهیم یافت که برای یافتن کار آواره شهرها شوند.

نفر کارگر در کوره کار می کند. یکی از کارگران، خوش نشین دیگری دهقان کم زمین است. بنابراین کارگران هم در کوره و هم بر روی زمین کار می کنند. این کوره پس از چهار شیانه روز، هر بار صدوسی تن آهک تولید می کند. صاحبان کوره از دولت تقاضا دارند که وامی جهت خرید بیل مکانیکی در اختیار آنان قرار دهد تا به این وسیله از سختی کار بکاهند.

یکی از برادران صاحب کوره گفت: "دولت عوض اینکه به ما وام بدهد و بماند کند، در عوض برای ما ایجاد مزاحمت می کند."

در گفتگویی که با دوتن از صاحبان دو کوره نامبرده داشتیم، آنها خواستار آن بودند که چون سرمایه کوزه ها ناچیز است و تولید به شکل سنتی انجام می شود، باید دولت وامی در اختیار آنها بگذارد، تا بتوانند

"هر روز باید از صبح تا شب کنار آتش کار کنیم، تا خروج خانواده پنج نفری را تامین کنیم. هر چند گه با این گرانی سرسام آور روزی صد تومان به جایی نمی رسد. اگر بعلت بیماری بیکروز نتوانم کار کنم، آن روز مزدی بمن تعلق نمی گیرد، چون ما را به علت موقتی بودن کار بیمه نمی کنند. تمام امید ما اینست که دولت قطعه زمینی در اختیار ما بگذارد، که روی آن کشاورزی کنیم و از این آتش کوره راحت شویم."

این کارگران از هیچ گونه مزایایی برخوردار نیستند و کارفرمایان به آنها گفته اند که فقط کارگران شرکتهای بزرگ می توانند از حقوق بیمه، تعطیلی و سایر مزایا برخوردار شوند.

کوره علی اکبر کوره علی کبر در سال جاری با سرمایه هزار و سیصد هزار ریال آغاز بکار کرد. سه برادر صاحب کوره هستند که با توافق دو

کوره خانبا با کوره خانبا بوسیله دو نفر شریک اداره می شود، که پنج کارگر هم در آن کار می کنند. این کارگران هر روز از ساعت ۶ با مداد تا بعد از ظهر، با دریافت روزی هزار ریال کار می کنند. کار از دو بخش چیدن سنگ در کوره و بار کردن آهک در ماشین تشکیل می شود. پس از طی هفت شیانه روز، سنگ آهک در داخل کوره تبدیل به آهک می شود و تولید هر باره آن حدود صدتن آهک است.

کارگران سپس در کنار آتش کوره، آهک گرم را بار ماشین می کنند. از شدت گرما، بیش از دو دقیقه نمیتوان کنار کوره ایستاد. کار در کوره ها چنان طاقت فرسا است که کارگران نمیتوانند بیش از شش ماه در کوره دوام بیاورند، چون سختی کار آنها را از پا در می آورد.

علی، یکی از کارگران کوره در این زمینه گفت:

دره ۳۰ کیلومتری جاده شیراز - مروهشت، در نزدیکی روستای لیو تعداد ۹ کوره آهک پزی وجود دارد، که کارگران و صاحبان این کوره ها، ساکن روستای لیو هستند. سرمایه لازم برای ایجاد هر کوره بطور متوسط پسانصد هزار ریال است. در هر یک از کوره ها صاحبان کوره ها با توافق پنج تا هفت کارگر مشغول کارند. تولید آهک در این کوره ها به طریق سنتی انجام میشود و سنگ مورد نیاز هم از منطقه بیضا تهیه می شود. صاحبان کوره ها هر ماه شش سنگ آهک را به مبلغ دو هزار و سیصد ریال خریداری می کنند. (سنگ آهک پس از تبدیل شدن به آهک، مقدار زیادی وزن کم می کند). آنگاه آهک تولید شده در کوره به راننده های کامیونها، از قرار هرس دو هزار و چهارصد ریال، فروخته می شود. راننده نیز آهک را در شهر (شیراز و مروهشت) تنی سه هزار ریال می فروشد.

کشت و کار

در سایه نظم و امنیتی که در جهت حفظ منافع دهقانان باشد

"... اهل یکی از روستاهای اطراف مراغه بنام چالپه کهنه، نزدیک ایستگاه قطار سراجو، هستم. بعد از انقلاب و تقسیم زمین و فرار عده‌ای از زمینداران بزرگ، من و برادرم صاحب قطعه‌ای باغ و زمین مزروعی شدیم و شروع به کشت زمین کردیم. لیکن خانواده‌ای قلندر و زورگو و مسلح پس از اینکه به برکت انقلاب ما صاحب زمین شدیم، ما را هم مانند دیگر روستائیان تحت فشار قرار دادند. مثلاً بچه مراکتک زدند و بمن نیز فحش دادند. من چندین بار جواب ندادم و شاهد کتک

خوردن زن و بچه‌هایم شدم. بالاخره یکبار اعتراض کردم. آنها مرا هم کتک زدند. عده آنها زیاد است. در حدود ۴۰-۵۰ نفرند، که همگی خویشاوند هستند. اینها صاحب روستا هستند و هرکاری که دلشان می‌خواهد، میکنند. زمین مزروعی مرا ویران کردند و در مقابل اعتراض من، خانواده‌ام را مورد حمله قرار دادند و ما در پیروم راکتک زدند. آنها اسلحه دارند و مصمم هستند که با زور - گویی زمینهای ما را بگیرند و از ده بیرونمان کنند. تنها وضع من اینطور نیست. زور - گویان خانه‌های یکی از اهالی ده را خراب کردند. به همسر فرد دیگری حمله کردند و سرانجام شخص دیگری راکتک زدند و پدرش را مضروب ساختند. هر زمانی نیز که به دادگاه شهر مراجعه میکنیم، چون این خانواده در ادارات هم دارای نفوذ هستند، به شکایات ما رسیدگی نمیشود، یا اگر ما موران کمیته به ده می‌آئیم، این زورگویان موفق می‌شوند ما را و ارونه جلوه دهند و وقتی که ما موران می‌رفتیم، دوباره دعوا راه می‌انداختند و افراد خانواده شاکی راکتک میزدند. آخر اگر این زورگویان نبودند، مگر من مجبور بودم که با داشتن آن قطعه باغ و زمین به تهران بیایم و در یک بیمارستان شیفت شب و در مقابل ۶ تومان با این هزینه گران، زندگی کنم. خواهش میکنم که شرح حال مراد روزنامه بنویسید. ولی اسم مرا ننویسید چون زن و بچه

عکسها سخن می‌گویند:

چهارتن از آن میلیونها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین که در انتظار اجرای کامل و فوری قانون اصلاحات ارضی هستند، تا انقلاب تحکیم یابد و «جهاد کشاورزی» برای تقویت جمهوری اسلامی ایران آغاز شود.



آقاخان، دهقان خراسانی در روستای کلانته میرزای. بجزنورد زندگی می‌کند. هنوز سایه شوم ارباب برده سنگینی می‌کند. آغل گوسفند را هم عمال ارباب خراب کرده‌اند. آقاخان را آزاد کنید، به او زمین بدهید!

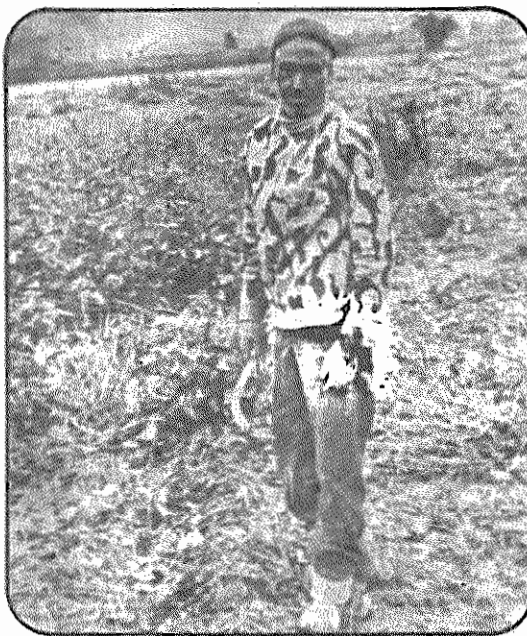
محمدرضا، دهقان کم‌زمینی است که در روستای حصار شهرستان درگز زندگی می‌کند. به او و خانواده‌اش باید زمین کافی داد و تمام بندهای قانون را بی‌کم و کاست اجرا کرد، تا بتواند از ثمرات انقلاب بهره‌برد.



علی‌بخشی، دهقان کم‌زمینی است که در کرانی سفلی بخش دروهران - کرمانشاهان زندگی می‌کند. او فقط دو جفت زمین دارد و با چهار فرزند و ۵۷ سال سن انتظار دارد که قانون انقلاب بی‌کم‌وکاست اجرا شود، تا

دهقانان بتوانند با دل و جان برای میهن انقلابی خود کار کنند.

غلامحسین، خوش‌نشینی است که در دشت گرگان کار میکند و اصلاً زمین ندارد. او نمونه‌ای از زندگی تهی‌دستان روستایی در یکی از غنی‌ترین مناطق کشاورزی میهن ماست. غلامحسین می‌گوید: "از انقلاب انتظار زمین دارم، تا بتوانم دین خود را به انقلاب ادا کنم"



من هنوز در روستا هستم و آنها به خانه ما حمله میکنند و زن و بچه‌ها را می‌زنند. من فقط از حکومت جمهوری اسلامی این را میخواهم، به رهبری امام خمینی اعتقاد دارم و او میدوایم که بعضی‌ها از نام امام سوء استفاده نکنند. این بود حاصل گفتگوی یک روستائی از روستای چالپه کهنه با خبرنگار نامه "مردم"، روستائیان زحمتکش که سالیان سال تحت ظلم و ستم بزرگ مالکان قرار داشتند، میخواهند از جنگال زورگویان مسلح و جما قدران قلندر رهائی یابند. اینک که انقلاب مصمم است ریشه‌های غارتگران را بخشکاند و بدین خاطر نیز قانون اصلاحات ارضی را بسوددهقانان به اجرا درمی‌آورد، لازم است که در روستاها نظم و امنیت برقرار شود، جلوی زورگویی و ظلم گرفته شود، قانون و مقررات قانونی محترم شمرده شود، آن نظم و امنیتی که در جهت حفظ منافع دهقانان تهیدستان است، آن نظم و امنیتی که زورگویان و مدافعان غارتگران و چالواکلان را برای خود نشانند، آن نظم و امنیتی که زمینه را برای کار و تولید هر چه بیشتر روستائیان زحمتکش فراهم آورد، استقرار یابد. آری، نظم و امنیت تنها باید در رنگهائی از منافع تهیدستان تجلی یابد. حکومت باید حکومت مستضعفان باشد. دهقانان زحمتکش تنها در این صورت آزادی واقعی را باز خواهند یافت.

بیشتر از کار فردی است و ثانیاً برای جمعاً مکان استفاده از وسایل و امکانات مدرن برای کشت زمین بیشتر است. بنا بر این باید در هر جا که این مکان هست و باید در نظر گرفتن شرایط چه بهتر که دهقانان را بسوی کار تعاونی هدایت کرد و مزایای کار تعاونی را برای آنان توضیح داد و دهقانان را قانع و مطمئن ساخت که حاصل کارشان به خود آنان تعلق میگیرد. سازمانهای مسئول دولتی و نهادهای انقلابی باید به این دهقانان از هر باره کمک کنند. **مورد آباء باید هر چه زودتر آب مورد نیاز کار روستائیان فراهم گردد، تا آنها بتوانند با خاطر آسوده به افزایش تولید بپردازند، برتری کار جمعی و نظام تعاونی و مالکیت مشاع را بر کار مزدوری نزد ما در شاه ملعون و بزرگ مالکی سرمایه‌داری ثابت کنند و برای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و هم میهنان خویش محصول هر چه بیشتری بدست آورند.**

اقدامات هیئت هفت نفری در مورد آباد

از فره‌سو، که در شمال شرقی مردآباد قرار دارد، میتوان تمام زمینها را آبجاری کرد. باید هیئت دارای اختیارات کافی باشد و با همکاری جهاد سازندگی و همیاری خود دهقانان بطور جمعی این مسئله را حل کنند. اجرای قانون اصلاحات ارضی بسوددهقانان تهیدستان خود مایه مسرت و شاد دینستادی و مسرت بخاطر، تقویت و تحکیم انقلاب. "انتخاب احسن" بشکل حفظ مالکیت مشاع و تشویق و ترغیب روستائیان به کار جمعی و تعاونی نیز اقدام درست است زیرا بطور حتم اولاً بازده کاری که جمع میدهد، بمراتب

هیئت هفت نفری و اگذاری زمین، که در روستای مردآباد از توابع کرج، کار خود را انجام میدهد، اراضی مادر شاه ملعون را به کشاورزان و اگذار کرده است. هیئت ۴۰۰ هکتار زمین را بصورت مشاع به دهقانان داده است که به هره ۱۰ نفر، ۱۰ هکتار میرسد. این ۱۰ نفر از میان خود یک نماینده انتخاب میکنند. نمایندگان مسئولیت اداره زمین را بعهده میگیرند. بابت شخم زمین و بذر نیز از هر دهقان ۶۰۰ تومان وصول می‌شود. بنا بر این، اصل تعاونی کار بر روی مالکیت مشاع، اساس فعالیت مثبت و انقلابی هیئت قرار گرفته است. مشکلی که هم اکنون روستائیان در بخشی از اراضی با آن روبرو هستند، کمبود و حتی فقدان آب جهت آبیاری است. هیئت هنوز در این مورد مسئولیت تا مبنی آب را تقبل نکرده است. در نتیجه عده‌ای که توان کاشت را دارند از ترس بی‌آبی، از کشت گندم خودداری میکنند. در صورتی که با لایبرری و کانال کشی

جاده میخواهیم و یک دنیا سپاسگزاریم

با اجرای قانون اصلاحات ارضی دارد، نهادهای انقلابی نظیر جهاد سازندگی، با یاری مردم در این مورد، تاکنون اقدامات شایان توجهی انجام داده‌اند. این اقدامات باید با قاطعیت ادامه یابد، زیرا راهسازی و نوسازی روستاها بطور حتم موجب تسهیل کار و تدارک آسایش دهقانان زحمتکش میشود و مستقیماً در افزایش تولید، بی‌رساندن محصول به مراکز مصرف نقش بسزایی دارد.

کشاورزی از آن بکنند انجام می‌گیرد و در زمستان غیر قابل استفاده میشود. بهمین جهت زیان جبران ناپذیری متوجه ما میشود. بدینوسیله از جهاد محترم سازندگی تقاضا داریم برای پیشرفت امور کشاورزی و کمک به روستائیان این منطقه، عنایت در تعمیر و مرمت جاده بی‌سردشت اقدام مورد لزوم را بفرمائید. یک دنیا سپاسگزاریم. زارعیسن فراموش محله".

روستائیان روستای نجف آباد فراموش محله به شهر، طی نامه‌ای به جهاد سازندگی شهرستان به شهر، از این جهاد خواسته‌اند که، بمنظور کمک به پیشرفت امور کشاورزی و کشاورزان منطقه، جاده را تعمیر و مرمت کند. آنان در نامه خود نوشته‌اند: "... اینجانبان کشاورزان فراموش محله به شهر، که در مسیر جاده بی‌سردشت فراموش محله زمین داریم و کشاورزی می‌کنیم، در اثر نداشتن راه، عبور و مرور وسایل نقلیه

امام خمینی: اگر به قوانین اسلام عمل شود، هیچ کس داری زمینهای بزرگ نمیشود. مالکیت در اسلام بصورتی است که همه تقریباً در یک سطح قرار میگیرند.

کارنامه ۱ ماهه سیاست خارجی لیبرال ها (۳)

بقیه از صفحه ۳

مصاحبه مطبوعاتی، تکذیب بازداشت شاه را تکذیب کرد و سپس اعلام نمود که: "این خبر دقیق و قطعی است و دیر یا زود همه آن را باور خواهند کرد."

وی سپس افزود: "کمترین تردیدی در تشخیص صدای رئیس جمهوری پاناما ندارد." دولت پاناما، همان روز بار دیگر خبر را تکذیب کرد!

ماریو پانتز، دبیر کل فدراسیون دانشجویان پاناما، در یک گفتگوی تلفنی در ۵ بهمن ماه ۵۸ گفت که: خبر دستگیری شاه را از یونایتد پرس شنیده است، که یونایتد پرس نیز خبر را از تهران دریافت کرده است! او افزود که، مردم پاناما شدیداً به اقامت شاه در پاناما معترضند و از دولت می‌خواهند که بعد از رسیدن استاد جنایات شاه از ایران، او را به مردم ایران تحویل دهد و در پایان برسد:

"چرا دولت ایران هنوز استاد جنایات شاه را به پاناما نفرستاده است؟"

قطب‌زاده پس از آگاهی از افشای جعلی بودن خبر، طی یک مصاحبه تلویزیونی، اعلام کرد که: "اشتباه از کارکنان وزارت امور خارجه بوده است که، در غیاب وی خبر را خودسرانه منتشر کرده‌اند!"

در این میان شاه مخلوع در ۵ فروردین ۵۹ از پاناما به مصر رفت و "اسناد جنایات" وی نیز فردای آن روز به پاناما رسید!

توطئه «کمیسیون تحقیق»

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دوران تسلط لیبرال‌ها، نه تنها به سیاست خارجی یک انقلاب ضد امپریالیستی، که درگیر جنگی حاد و آشتی‌ناپذیر با امپریالیسم آمریکا و متحدان و سرسپردگان آن است، شایسته نداشت، بلکه بیشتر به دنباله‌رو و تابع سیاست خارجی امپریالیسم آمریکا شبه بود. یکی از نمونه‌های بارز این شباهت، توطئه «کمیسیون تحقیق سازمان ملل متحد» است.

پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا، امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و نیروهای انقلابی ایران به پشتیبانی قاطع از این اقدام ضدامپریالیستی برخاستند و آزادی «گروگان‌های» جاسوس را در گرو استرداد شاه خائن و جنایتکار و اموال غارتی مردم ایران اعلام کردند. اما امپریالیسم آمریکا، که به هیچ‌وجه حاضر نبود به جمهوری اسلامی ایران چون کشوری مستقل برخورد کند و با توسل به توطئه‌های رنگارنگ می‌کوشید، تا دوران استیلای جابرانه و غارت بی‌بندوبار گذشته را تجدید کند، هم‌زمان با تدارک توطئه براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران، بر فشار خود برای آزاد کردن بدون قید و شرط جاسوسان یعنی بدون برآوردن خواسته‌های برحق مردم ایران، افزود. امپریالیسم آمریکا، عوامل داخلی آن و لیبرال‌ها - که اصولاً با تسخیر لانه جاسوسی مخالف بودند - تمامی تلاش خود را برای به تسلیم واداشتن پیروان خط امام، که به درستی آزاد کردن «گروگان‌ها» ی جاسوس را، بدون تأمین شرایط ایران، تسلیم به امپریالیسم آمریکا می‌دانستند، به کار بردند.

وزارت امور خارجه قطب‌زاده، که به هیچ‌وجه نسبت به توطئه‌ها و تدارکات نظامی کسریه امپریالیسم

"به اعتقاد من، این آقایان (بنی صدر و قطب‌زاده) در نهایت حسن‌نیت و منتهای کوشش برای حل این مشکل سعی می‌کنند." (نامه مردم، ۲۵ اسفند ۱۳۵۸، به نقل از خبرگزاری‌ها)

قطب‌زاده: نظر من به کارتر نظر مثبتی است!

در پی شکست توطئه «کمیسیون تحقیق» امپریالیست‌های آمریکائی آشکارا به تهدید روی آوردند و بر تدارکات نظامی خود در منطقه افزودند. حتی هودینگ کارتر گفت که وی امکان استفاده از نیروی نظامی علیه ایران را رد نکرده است. اما قطب‌زاده افکار عمومی را به جانب دیگری متوجه می‌ساخت.

قطب‌زاده بار دیگر تلاش کرد تا «گروگان‌ها» را آزاد کند. وی از امام خمینی خواست که در قبال ممانعت از سفر شاه به مصر و ننگ داشتن آن در پاناما (!) جاسوسان را آزاد کند! او در مصاحبه با روزنامه «کیهان»، در تاریخ ۶ فروردین ۵۹ گفت:

"ساعت ۲ بعد از نیمه شب، من در مصاحبه با چندتن از خبرنگاران اعلام کردم، اگر شاه مخلوع را برگردانند به پاناما، ما گروگان‌ها را تحویل می‌دهیم."

اما این تلاش نیز، بر اثر مخالفت امام خمینی، موفق نشد.

قطب‌زاده درست در اوج تکوین و تدارک توطئه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا، نامه‌ای از کارتر به امام خمینی تسلیم کرد و خود در مورد کارتر گفت:

"نظرم نسبت به کارتر، نظر مثبتی است." (کنفرانس مطبوعاتی، ۱۰ فروردین ۵۹).
و این درست زمانی بود که مردم ایران و رهبر انقلاب، کارتر را جنایتکار می‌خواندند.
وی قبلاً نیز به عنوان اولین اقدام خویش در دست وزارت امور خارجه، نامه‌ای از ادوارد کندی، نامزد ریاست جمهوری آمریکا، به امام خمینی تسلیم کرده بود، که در آن ادوارد کندی، سالوسانه خود را "قذافی امام خمینی" و مبارز راه «کارگران» نامیده بود!

در نامه کارتر به امام خمینی گفته می‌شد:

"مزیت بزرگ دموکراسی آمریکائی این است که همیشه توانسته است اشتباهات خود را شناسایی و یا آن را محکوم کند... اجازه می‌خواهم جسارتاً اعلام دارم که به نظر من (کارتر) زمان و دشمنان واقعی نظام‌های سیاسی مربوطه، به زیان ما مشغولند." (۱۰ فروردین ۵۹، روزنامه‌ها).

قطب‌زاده همچنین دو نامه دیگر از جانب کارتر به رئیس جمهوری اسلامی ایران داد، که لحن آن‌ها به کلی با لحن نامه کارتر به امام خمینی تفاوت داشته و تهدیدآمیز بوده‌اند.
قطب‌زاده خود در آستانه انجام توطئه خطرناک امپریالیسم آمریکا در تاریخ ۱۵ فروردین ماه ۵۹، در یک میزگرد تلویزیونی شرکت کرد و به اتحاد شوروی تاخت و او را در مورد تمامی تهدیدات امپریالیسم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران مقرر اعلام کرد و گفت:

"حضور شوروی توجیه کننده حضور آمریکاست. عملاً به آمریکا کمک کرده‌اند."
بدینسان قطب‌زاده در آستانه تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا به خاک ایران، با به میان کشیدن افسانه «خطر شوروی»، خطر امپریالیسم آمریکا را به کلی در برده نهاد و آن را توجیه کرد.
ادامه دارد

در جهان سوسیالیسم

در پنج سال گذشته ۲۷ درصد کل سرمایه‌گذاران برای اتحاد شوروی در کشاورزی بوده است

درآمد ملی اتحاد شوروی در دوران برنامه پنج ساله دهم، در مقایسه با برنامه پنجساله نهم، ۴۰۰ هزار میلیون روبل افزایش یافت. این افزایش برای تولید صنعتی ۷۱۷ هزار میلیون روبل و برای تولید کشاورزی ۵۰ هزار میلیون روبل بود. چهار پنجم درآمد ملی اتحاد شوروی به مصرف، خانه سازی و امور اجتماعی و فرهنگی اختصاص داد شد.

در دوران برنامه پنجساله دهم سرمایه‌گذاری در اقتصاد بالغ بر ۶۳۵ هزار میلیون روبل گردید و ۱۲۰۰ واحد صنعتی شروع بکار کردند. در این مدت، تولید کالاهای مصرفی ۲۱ درصد افزایش یافت.

دولت اتحاد شوروی در چارچوب برنامه پنجساله دهم ۱۷۰ هزار میلیون روبل در کشاورزی سرمایه‌گذاری کرد؛ که ۲۷ درصد مجموع سرمایه‌گذاری را در اقتصاد ملی تشکیل می‌دهد. در این مدت بخش کشاورزی ۱۸۰۰۰۰۰۰ تراکتور، بیش از ۱۳۰۰۰۰۰ گاومیس، در حدود ۵۴۰۰۰۰۰ کمباین و نزدیک به ۴۰۰ میلیون تن کود کانی دریافت داشت. برای نخستین بار، میانگین سالانه محصول غلات در عرض برنا مه پنجساله از مرز ۲۰۰ میلیون تن گذشت.

در جهان سرمایه‌داری

برده‌فروشان قرن بیستم

در ایالات متحده آمریکا خرید و فروش بردگان به سبک سده‌های گذشته بار دیگر رونق گرفته است. دلان، هزاران مکزیک و السالوادوری را بطور غیرقانونی از مرزهای آمریکا و مکزیک عبور می‌دهند و آنها را بقیمت میانگین ۲۵۰ دلار بعنوان نیروی کار در اختیار "فارم‌های آمریکائی" قرار می‌دهند. در گزارشی، که چندی پیش در "فرانکفورت روندشائو" (جمهوری فدرال آلمان) در این باره انتشار یافت، در این باره گفته می‌شود که، تنها در سال ۱۹۷۹ ۲۱۱۰۰۰ مورد دادوستد بردگان فاش گردیده است.

برده‌فروشان به بیکاران مکزیک و السالوادور وعده می‌دهند که، در صورت عزم به ایالات متحده، از دستمزدهای گزافی بهره مند خواهند شد، ولی بمجرد ورود آنها به آمریکا، اغلب بزور، به آنها می‌فمانند که حداقل هزینه سفر خود را "مدیون" آنها هستند. بدین ترتیب بردگان قرن بیستم مجبور میشوند که در گوجه‌فروشی‌های آرکانزاس، پنسیلوانیا، تکزاس شمالی و باغات مرکبات فلوریدا به استیجار غیرانسانی خود از سوی سرمایه‌داران ایالات متحده تن در دهند.

بنوشته "فرانکفورت روند شائو"، "اغلب باز کوشش برای فرار با اسلحه جلوگیری میشود". کارگر خارجی بمحض آنکه توانست "دیون" خود را بپردازد، به ارباب دیگری فروخته میشود.

"فرانکفورت روند شائو" از نمونه‌ای یاد میکند که دو کارگر در زنجیر "ماحب" خود بسمیرند. بنوشته این روزنامه، گزارش دیگر در "نیویورک تایمز" حاکی از آنست که "مستولان (محلّی) در بررسی (اینگونه) موارد برده‌فروشی (اهمال می‌ورزند)".
"فرانکفورت روند شائو" می‌افزاید که "ظواهرات توطئه‌های مرموزی" باید در کار باشد.

در مطبوعات کشور

هجوم سپاه سرمایه‌داری

اکتون مادر هر سه جبهه زور و زورتزویر با مارهائی زهرآکین مواجهیم نه‌ملی کردن صنایع و تجارت خارجی و پشتیبانی مستضعفین از انقلاب باید مارا به غفلت و رخوت و غرور و ساده‌اندیشی واگذارد که سرمایه‌داران چپاول چی بدتر از مار و زهر مار را در توبره گرم خویش به حال خود رها کنیم تا امروز به خود اجازه امکان مانسور و نمایش قدرت بدهند و نه متوقف کردن ارتش متجاوز عراق و حتی پیروزی‌های موضعی ما بر آنان باید ما را به غفلت و غرور و فراغت وادارد. اگر چنین کنیم، قطعاً نه فقط پیروزی‌های راهم که تا همین جا در هر دو عرصه بدست آورده‌ایم، از کف خواهیم داد بلکه بسختی نیز شکست خواهیم خورد. نه در این جبهه و نه در آن جبهه، در هیچکدام نباید غافل نشست و سرمست از پیروزی‌های غفلت‌آفرین مارهائی خفته از سرما را فراموش کرد و خود را شکست ناپذیر دانست.

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

ضرورت تغییرات اساسی در سیستم ارسال ارز دانشجویی

با خود برده‌اند، برایشان کافی است. ما نوشتیم که عده‌ای از افراد ضدانقلابی، به بهانه تحصیل و به طمع دریافت ارز تحصیلی و گذران معاش، حتی در دوران جنگ و بسته شدن مرزها، بنام دانشجو از کشور خارج شده‌اند و هم امروز برایشان هنوز ارز ارسال می‌شود. مایشهاد کردیم که فقط به کسانی ارز پرداخت شود، که رشته تحصیلی‌شان مورد نیاز کشور، خودشان مومن به انقلاب باشند و قصد خدمت به این مردم محروم را درس داشته باشند، زیرا عادلانه نیست که با ثروت این خلق زحمتکش بی‌بهره از نعم، بچه‌گرگ‌پرورش دهیم.

اکنون توضیحات آقای دکتر عارفی، وزیر علوم و آموزش عالی، صحت نظرات و پیشنهادهای ما را اثبات میکند و این امید را بارور می‌سازد که در سیستم ارسال ارز دانشجویی دگرگونیهای اساسی بعمل آید: نام کلیه افراد ضدانقلابی، فرزندان فراری‌ها، بیکاره‌ها و درس‌نخوان‌ها و جواهرفروشها و قالی‌فروشها و رانندگان تاکسی و غیره، از فهرست دریافت کنندگان ارز تحصیلی حذف شود؛ میزان ارز تحصیلی دقیقاً منطبق با حداقل هزینه زندگی در کشور مربوطه برای یک دانشجو باشد و کلیه دریافت کنندگان ارز متعدد به بازگشت به کشور شوند.

انقلاب به هر دلار از ارز کشور نیاز حیاتی، دارد. نباید اجازه داد که این ارز گرانبایه بوده به هدر رود.

صورت ضرورت و در مورد آن رشته‌هایی که در ایران وجود ندارد، نباید دانشجو به خارج بفرستیم و تمام امکانات مالی و ارزی خود را باید برای گسترش شبکه دانشگاهی و مدارس تخصصی و حرفه‌ای بکار اندازیم. ما نوشتیم که میزان ارز تحصیلی بیش از نیازهای یک دانشجویست و باید این مبلغ متناسب با یک زندگی توأم با قناعت دانشجویی تعیین گردد و نه بیش از آن. ما نوشتیم که سفارتخانه‌های ما در خارج، در دوران پس از پیروزی انقلاب، وظیفه داشته‌اند که به پرونده کلیه دانشجویان ایرانی مقیم خارج، تعلق خانوادگی‌شان، نظرات و معتقدات و فعالیت‌سیاسی‌شان رسیدگی کنند و فرزندان خانواده‌های طاغوتی و خائنین به کشور را از لیست دریافت کنندگان ارز خارج نمایند، زیرا ثروتهای غارتی‌شان و پول نقد و جواهر و طلا و ارز و عتیقه‌ای که بهنگام فرار از کشور

بیان داشته، عین حقیقت است و باید بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. باید گفت که میلیاردها ارز کشور، که متعلق به محرومان جامعه است، برای کسانی ارسال می‌شود، که هیچ‌یک مستحق دریافت آنرا نداشته‌اند و با کمال قاسف، علیرغم انتقادهای اصولی، تا در سال پس از انقلاب، این رویه همچنان ادامه یافته است. نامه «مردم» بدفتم، نظرات خود را در این باره باصراحت بیان کرده است. ما نوشتیم که وجود چندصد هزار دانشجو در کشورهای اروپای غربی و امریکا منطبق با اهداف مردمی انقلاب ما نیست، که باید منابع ارزی خود را دقیقاً و با رعایت حداقلی صرفه، برای سرمایه‌گذاریهای مفید صنعتی، کشاورزی، عمرانی بکار اندازد و نیروی انسانی متخصص و ماهر را پرورش دهد. ما پیشنهاد کردیم که جز در

پرسشنامه‌های ارز دانشجویی به خانواده‌های دانشجویان ایرانی مقیم خارج تسلیم شده، تا پس از بازگرداندن آن در موعد مقرر ۲۰۰۰ پهن ۵۹، بوضع دانشجویان مقیم کشورهای خارج رسیدگی شود و نسبت به ارسال ارز تحصیلی برای آنان تصمیم مقتضی، براساس ضوابط جدید، اتخاذ گردد. وزیر علوم و آموزش عالی، در مصاحبه اختصاصی خود با روزنامه جمهوری اسلامی، به موارد افراط کاریها و بی‌رویه گیهایی که تاکنون در سیستم ارسال ارز دانشجویی وجود داشته، اشاره کرده و متذکر شد است که: - مقدار ارزی که خارج می‌شود، برای یک دانشجو زیاده بوده... و گاه تا دو برابر و بیشتر از احتیاج یک نفر بوده است؛ - کسانی از این ارز استفاده می‌کردند که گاه درصاف مخالف انقلاب بودند؛ - برای کسانی ارز ارسال می‌شده که قصد مراجعت به میهن خود را نداشته‌اند؛ - برخی از دریافت کنندگان ارز دانشجویی یا جواهرفروشدن و یا راننده تاکسی و یا اینکه درصاف ضدانقلاب مشغول فعالیت‌اند؛ - برخی از دریافت کنندگان ارز دانشجویی، اصلاً دانشجو نیستند و با گرفتن چند واحد درسی، در دانشگاهی ثبت نام میکنند و بعد از مردود شدن در همین چند واحد، مجدداً ثبت نام میکنند و بدین طریق ۱۵-۱۶ سال ارز دریافت کرده‌اند، بی آنکه درسی بخوانند و مدرکی بگیرند. آنچه وزیر علوم و آموزش عالی در مورد وجود نقائص جدی در سیستم ارسال ارز دانشجویی

پاسخ شرکت مخابرات ایران به «نامه مردم»

اداره کل اطلاعات و انتشارات روابط عمومی شرکت مخابرات ایران در پاسخ به مطلب نامه «مردم» زیر عنوان «احقاق حقوق مستضعفین یکی از هدفهای اصلی انقلاب است» مندرج در شماره ۴۸۶ نامه «مردم» مورخ ۱۳۵۹/۹/۱۴ نامه‌ای نگاشته است که در زیر عیناً درج میگردد:

اداره روزنامه گرامی مردم بازگشت بشرحی که در شماره ۳۸۶ - ۱۳۵۹/۹/۱۳ آن روزنامه با عنوان «احقاق حقوق مستضعفین یکی از هدفهای اصلی انقلاب است» درج گردیده بود مراتب زیر به آگاهی میرسد:

۱- آقای علیجان گریوانی تکمیل «شرکت راسر» پیمانکار مخابرات آزاد شهر بوده که بخاطر عدم انجام تعهدات خود از آن شرکت خلع ید بعمل آمده ولی آقای گریوانی که در محوطه ساختمان در دست احداث سکونت داشته پس از انجام تشریفات خلع ید نیز کماکان در محل باقی مانده است.

۲- با اینحال به منظور رفاه حال آقای گریوانی اقدامات لازم در جهت کسب مجوز مورد نیاز از مقامات شرکت بعمل آمد و با پرداخت مطالبات ایشان براساس حداقل دستمزد تعیین شده از سوی اداره کار گنبد موافقت گردید و بر همین اساس نیز طی سند شماره ۵۹۷۲۲۰۲۵۸ و چک شماره ۴۱۶۹۰۴ پس از حذف کسورات مبلغ ۱۱۸۹۹۴ ریال به آقای گریوانی پرداخت شد. بدیهی است که بقیه مطالبات ایشان (بم باقیمانده) پس از دریافت موافقت قطعی تادیب خواهد گردید.

بنابراین ملاحظه میفرمایند که اولاً ایشان در استخدام شرکت مخابرات نبوده و تکمیل شرکت راسر بوده‌اند و بعد شرکت مخابرات ایران در جهت استیفای حقوق ایشان خیلی قبل از آنکه موضوع در آن روزنامه مطرح گردد اقدامات لازم را بعمل آورده است. اداره کل اطلاعات و انتشارات و روابط عمومی

نامه «مردم» - از اینکه شرکت مخابرات ایران اقدام لازم را بمنظور رفاه حال آقای گریوانی بعمل آورده است، خوشحالم. بدون تردید اگر تمام سازمانهای دولتی بموقع درمورد احقاق حقوق مستضعفین اقدام کنند، انقلاب ما، که انقلاب مستضعفین است، تحکیم خواهد شد.

کشورهای عضو جبهه پایداری (لیبی، سوریه، الجزایر، سازمان آزادی بخش فلسطین و جمهوری دمکراتیک خلق یمن) از همان آغاز به پشتیبانی قاطع از انقلاب ایران برخاستند و برای گسترش روابط خویش با جمهوری اسلامی ایران و کمک به انقلاب ایران برای مقابله با امپریالیسم آمریکا، دست یاری به سوی آن دراز کردند و تمامی امکانات خود را به جمهوری اسلامی ایران عرضه داشتند. اما متأسفانه در برابر این پشتیبانی و ابراز آمادگی برای همکاری از جانب کشورهای عضو این جبهه، طراحان و مجریان لیبرال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در گذشته، از هیچ کوششی برای «مژوری» کردن انقلاب ایران در میان کشورها و نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست فروگذار نکردند.

اینک که فصل نویی در مناسبات ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری و بطور کلی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در شناخت واقع بینانه دوستان و دشمنان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران آغاز گردیده، و با توجه به شرایط بغرنج و خطرناکی که در نتیجه توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و طرحهای تجاوز نظامی آن علیه جمهوری اسلامی ایران پدید آمده، منافع انقلاب و دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران ایجاب میکند که تدابیر مشخص و عاجلی در زمینه ایجاد یک اتحاد گسترده، که دربرگیرنده جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و دیگر نیروهای انقلابی و ضد امپریالیستی در منطقه باشد، اتخاذ گردد. چنین اتحادی میتواند تمام فعالیت‌های سیاسی و همکاری‌های همه جانبه جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو جبهه پایداری را در همه زمینه‌ها هم‌آهنگ سازد و به انسجام و شکل یافتن جبهه متحد ضد امپریالیستی در این منطقه مساعدت کند. با ایجاد چنین اتحادی میتوان در برابر توطئه‌ها و طرحهای مداخله نظامی امپریالیسم آمریکا در ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری و سازمان آزادی بخش فلسطین، که خود نیز درگیر پیکار علیه امپریالیسم آمریکا و دولت صهیونیستی اسرائیل هستند، در شرایط افزایش توطئه‌های رژیمهای ضد خلقی منطقه و گسترش و تقویت نیروهای مسلح آمریکا در منطقه، که موجودیت و استقلال آنان را تهدید میکند، بدون تردید اهمیت ایجاد چنین اتحادی را عمیقاً درک میکنند و چنانکه بارها روی این مطلب تأکید داشته‌اند، برای همه گونه همکاری با جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌ها آمادگی کامل دارند. آنها مسلماً پیشنهاد تشکیل جبهه متحد ضد امپریالیستی در منطقه را با آغوش باز استقبال خواهند کرد. منافع انقلاب و دفاع از موجودیت جمهوری اسلامی ایران در این لحظات سرنوشت ساز حکم میکند که مسئولان جمهوری اسلامی ایران با روشن بینی و قاطعیت انقلابی، در این زمینه تدابیر لازم را اتخاذ کنند و به اقدامات مشخص بپردازند.

برای مقابله با توطئه‌های...

بقیه از صفحه ۱

در روزهای اخیر هیئت‌های نمایندگی مختلف آمریکا از کشورهای خاور نزدیک و میانه دیدن میکنند. هدف همه این مسافرتها، تشکیل پیمان نظامی جدید از کشورهای وابسته منطقه، تقویت و گسترش نیروهای نظامی دریایی و هوایی و زمینی آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند، تقویت پایگاههای نظامی آمریکا در کشورهای وابسته منطقه و ایجاد شرایط و زمینه مساعد برای عملیات جنگی گسترده در این منطقه علیه جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری است.

بدون تردید گسیختن وزیر امور خارجه پیشین آمریکا، که در دولت جدید کاخ سفید، از نو نقش سیاسی فعالی را خواهد داشت، در جریان سفر خود به کشورهای این منطقه، که از سومالی آغاز گردید و در بیت المقدس پایان یافت، با سران رژیمهای ضد خلقی این کشورها، این مسائل را بررسی کرده است.

تجاوز روزافزون صهیونیستهای اسرائیل به جنوب لبنان و تهدید نظامی اردن علیه سوریه و تمرکز نیروهای مسلح اردن در مرز یا سوریه، که هدفش بازداشتن سوریه از مقاومت در برابر تجاوز اسرائیل در جنوب لبنان و یاری رساندن به سازمان آزادی بخش فلسطین است، حلقه دیگری از توطئه‌های نظامی امپریالیسم آمریکا برای ایجاد تشنج و کانون درگیریهای مسلحانه در این منطقه است. تادیب و تسویه زمینه مساعدتری برای تجاوز نظامی مستقیم آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم شود.

ادامه جنگ تجاوزکارانه تحمیلی دارودسته جنایتکار صدام حسین به جمهوری اسلامی ایران - و در همان حال شکست هدف اصلی نظامی و سیاسی این تجاوز - از زمینه‌های دیگریست که آمریکا را در اقدام مداخله نظامی در ایران ترغیب میکند.

بدین ترتیب، صف آرائی مشخص مرکب از نیروهای مسلح آمریکا، دولت صهیونیستی اسرائیل و رژیمهای ضد خلقی و وابسته به آمریکا: مصر، اردن، عربستان سعودی، عراق و عمان و پاکستان زود... در برابر جمهوری اسلامی ایران و کشورهای عضو جبهه پایداری در منطقه، پدید آمده است.

در چنین شرایط خطرناکی، جمهوری اسلامی ایران، که آماج اصلی تجاوز نظامی مستقیم آمریکا و دستیاران منطقه‌ای آن قرار گرفته، بخاطر دفاع از انقلاب و موجودیت نظام جمهوری اسلامی ایران، موظف است که روابط خود را با کشورهای عضو جبهه پایداری در همه زمینه‌ها گسترش دهد و این روابط را به عامل موثری تبدیل سازد که بازدارنده اجرای طرح تجاوز نظامی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران باشد.

مسافرت چندی قبل حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، به کشورهای عضو جبهه پایداری (الجزایر، سوریه، لیبی) و همچنین لبنان، که آغاز فصل نویی در روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عضو این جبهه بود، نشان داد که در سیاست خارجی ایران در رابطه با کشورهای عضو جبهه پایداری نارساییها و خطاهای جدی وجود داشته، که به زیان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران تمام شده است. حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی در مورد آمادگی این کشورها برای همکاری با جمهوری اسلامی ایران اظهار داشت: «رهبران کشورهای الجزایر، لیبی و سوریه فکر میکردند که هرگونه حمایتی برای دوام این انقلاب باید بشود و آمادگی داشتند که با هرگونه همکاری استراتژیک و تاکتیکی داشته باشند».

تصحیح

در صفحه ۹ نامه «مردم»، شماره ۴۷۱، در پایان مقاله «در باره» تناسب نیروها در عرصه جهانی، نکته‌ها و طنزهای وسط از نامه «مردم» است، غلط و تکیه‌ها و تیتراهای وسط از نامه «مردم» است، صحیح است.

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است!

م. الف از لشت نشاء يك جفت گوشواره دوست عزیز احمد - هدیه شما رسید.

علاقتمندان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام تقی کرمنش و به شماره ۳۲۳۲ شعبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه دهخدا)، خیابان شهید دکتر حسین فاطمی بپردازند.

دهقان از لشت نشاء ۲۰۰۰۰۰ ریال غلامحسین از آنزلی ۵۰۰۰ ریال

گسترش خدمات بهداشتی در جمهوری سوسیالیستی ویتنام

بموجب آماری، که چندی پیش در یکی از کنفرانس‌های پزشکی ویتنام اعلام شد، اینک ۹۴۷ گروه کار در بخش بهداشتی و بهداشتی این کشور از عنوان افتخاری «گروه کار سوسیالیستی» برخوردارند. مسابقه برای دستیابی باین عنوان، کوشش‌های بی‌سابقه‌ای را باز می‌تابد که در دوران حاکمیت خلق برای بهبود هرچه بیشتر این بخش در ویتنام بکار رفته است.

سی و پنج سال پیش، هنگامیکه پس از پیروزی «انقلاب اوت»، (۱۹ اوت ۱۹۴۵) برای ۲۸ مرداد (۱۳۲۴)، «جمهوری خلق ویتنام» پایه‌گذاری شد، دولت، مانند خیلی گستره‌های دیگر، بازسازی بهداشتی را در واقع از سفر شروع کرد. پس از ۸۰ سال استعمار فرانسه، تنها ۵۱ پزشک و ۱۵۲ پزشکیار در این کشور وجود داشت. تنها در سال ۱۳۲۴، در حدود دو میلیون ویتنامی بر اثر آبله، وبا و دیگر بیماری‌های واگیر جان سپردند. در سالهای مبارزه مقاومت‌آمیز علیه کوشش دوباره سیادت‌طلبان استعمارگر، نظام جدید بهداشتی و بهداشتی شالوده ریخته شد. در مناطق آزاد شده، تجهیزات پزشکی برای همگان دائر گردید. یکی از بزرگترین خدمات این فموسسات پزشکی، که غالباً در جنگ‌ها و غارهای پنهانی جای‌داشتند، جلوگیری از بروز بیماری‌های واگیر بود. در سالهای بازسازی صلح‌آمیز (۱۳۴۹-

۱۳۳۹)، بهداشتی و بهداشتی ویتنام به پیروزی‌های چشمگیری دست یافت. در این دهسال، شماره پزشکان در «جمهوری دموکراتیک ویتنام» ۱۵ برابر شد. از سوی دیگر تهاجمات وحشیانه جنگنده‌های آمریکایی خسارات فراوانی ببار آورد.

آزادی جنوب در سال ۱۳۵۴، ویتنام را با مسائل جدیدی روبرو ساخت. در سرزمینی که پیش از آن زیر سلطه رژیم سایگون بود، در حدود ۱۰ میلیون نفر در مناطق مالاریا خیز می‌زیستند. فزون بر این، تنها در سایگون ۱۵۰ هزار نفر معناد بودند.

اکنون ۵ سال پس از آزادی جنوب، در این قسمت از «جمهوری سوسیالیستی ویتنام»، ۵۸۰۰ پایگاه پزشکی، ۴۷۴ بیمارستان و پلی-کلینیک و ۲۰ انستیتو و آموزشگاه پزشکی تاسیس یافته است. علاوه بر شمال، که سالهاست در آن از مالاریا خبری نیست، شماره مالاریای-های جنوب به یک سوم پیکره پنج سال پیش تقلیل یافته است. شماره مسولین در شمال ۱۰۵ هزار و در جنوب ۲۰۵ هزار است. انتظار عمر در ویتنام به ۵۹ سال افزایش یافته است.

هدف‌های سابقه میان «گروه‌های کار سوسیالیستی» آنست که آمار موفقیت‌های جمهوری سوسیالیستی ویتنام در سالهای آینده از این نیز چشمگیرتر گردد.

نظام آباد محله‌ای فراموش شده در سنج

نظام آباد (کورآباد) یکی از محله‌های فقیرنشین سنج است، که از حداقل امکانات و مایحتاج اولیه زندگی محروم است. پنج هزار نفر جمعیت این محله بیشتر از رانده‌شدگان دهات کردستان هستند که بر اثر اجرای به اصطلاح اصلاحات ارضی شاه مملعون، به شهرها روی آوردند و متأسفانه در سنج با مشکلات به مراتب بدتری روبرو شدند. در این محله حتی یک درمانگاه وجود ندارد و کوجه‌ها مملو از زباله و فضولاتی است، که منشاء شیوع انواع بیماری‌هاست.

در نظام آباد بیشتر خانه‌ها گلی و فرسوده‌اند و با کوچکترین بارندگی و لرزش زمین فرمی-ریزند و ساکنین نظام آباد با بی‌آبی مداوم روبرو هستند، که این کمبود باعث زدن چاه‌ها و استفاده از آب‌های غیر بهداشتی شده است، که بسیار خطرناکند. اهالی این محله به علت نداشتن اتحاد عمل، تاکنون موفق به طرح مشکلاتشان نزد مقامات مسئول نشده‌اند. اما آنها در انتظار مسئولان دولت انقلابند، که به این محله فقیرنشین سری بزنند و به خواستهای بحق اهالی زحمتکش ساکن آن رسیدگی کنند.

ما نیز از مقامات مسئول خواهیم که هرچه زودتر به خواستهای اساسی، محله نظام آباد شهرستان سنج رسیدگی کنند.

کاروان امید

(ارمغان به حزب توده ایران)

کجا بودی ای کاروان امید؟
که عمری دلم انتظارت کشید
«سایه»

ای رهسپران بارگاه مهر
ای پرده‌دران سحر اهریمن
در مقدمتان فشانده‌تر بادا
گلخنده پر سپاس مرد و زن
کاندر رهتان به شوق افشانند.

این راه دراز را نهایت نیست
وین کوره همی شود فروزان‌تر
ای بلبل نکته‌دان خوش آواز!
ای مژده‌سرای روز رخشان‌تر
این خلق بتو امیدها دارد.

بنمای ره نبرد را بر من
بپذیر مرا به سلاک یارانت
در دل نبود مرا جز این امید
کز پرتو رهگشای ایمانت:

شایسته نام «توده‌ای» گردم.
بدخواه ترا مجال افسون نیست
امید ستمگران رود بر باد
تو شاد شوی و خصم نافرجام
یا شوق زدل برآورم فریاد
چون می‌شنوم پیامت از «مردم».

در همه‌جمله تلاش هستی‌ساز
در خامشی بزرگ کوهستان
در سینه هر جوان ایرانی
پیچد به شکوه و شور بی پایان
آوازه حزب توده ایران.

رثوف - رشت - آبان ۵۹

چهره تجاوزه کار امپریالیسم امریکا در سالوادور آشکارتر میشود

نبردهای شدید میان میهن‌دوستان سالوادور و نظامیان مزدور حاکم بر کشور همچنان ادامه دارد. مبارزان صدها تن از مزدوران ارتشی را به پلاکت رسانده و صدها سرباز و افسر نیز به صفوف خلق پیوسته‌اند. درگیری‌ها در حالی ادامه دارد که امریکا سیل کمک‌های نظامی را بسوی دست‌نشانده‌گان خود در سالوادور سرازیر کرده است و هلی‌کوپتر، تانک، نفربر و دیگر سلاح‌های مدرن در اختیار رژیم سالوادور قرار می‌دهد.

از سوی دیگر ده‌ها کارشناس نظامی آمریکائی نیز وارد سالوادور شده‌اند، تا جنایات رژیم علیه خلق را رهبری کنند. از جمله این جنایات، استفاده از بمب ناپالم و سلاح‌های شیمیائی علیه مردم نواحی آزاد شده است. سلاح‌های شیمیائی ظاهراً در روزهای اخیر از سوی امریکا برای رژیم سالوادور ارسال شده است. در این حال گزارش می‌رسد که تفنگداران دریائی امریکا در پورتوریکو، برای عملیات مداخله در سالوادور تمرین می‌کنند.

برای حفظ حقوق اتحادیه‌ها
فدراسیون عمومی کار فرانسه، دعوت به اعتصاب عمومی کرد



فدراسیون عمومی کار فرانسه خواستار مبارزات اعتصابی گسترده در دفاع از حقوق اتحادیه‌ها شد. «ژان کلود لاروس» دبیر کنفدراسیون، به خبرنگاران گفت: «اتحادیه درخواست می‌کند که مقامها به تعقیب فعالان کنفدراسیون، که ابعاد تهدیدآمیزی گرفته است، پایان دهند.» وی افزود: «در آینده نزدیک صنایع مختلف، حمل و نقل عمومی و خدمات، یک رشته اعتصابات گسترده در حمایت از این تقاضا، که دستمزدها باید با میزان تورم در کشور انطباق یابد، برگزار خواهند کرد.» میزان تورم در کشور فرانسه، اکنون ۱۴ درصد است.

جنایت تازه صهیونیست‌های اسرائیل
خبرگزاری فلسطینی وفا، بکین نخست‌وزیر رژیم اشغالگر قدس را به تهیه مقدمات قتل «حماد ابوریحانه»، یکی از پیشوایان قبایل اعراب بدوی عضو پارلمان اسرائیل، متهم ساخت. این فرد، دو شبانه گذشته در بیت المقدس، به ضرب گلوله کشته شد. وی نماینده اقلیت عرب ساکن اسرائیل و از اعراب بدوی ساکن «النقط» بود که به مصادره زمین‌های این اهالی برای ساختمان تاسیسات نظامی اعتراض کرد.

چین و پاکستان تحریکات علیه هند را ادامه می‌دهند
در حالی که رژیم دست‌نشانده ضیاءالحق برای خرابکاری و جاسوسی، مزدوران خود را به هند می‌فرستد، مائوئیست‌های چین نیز تحریکات مسلحانه خود را علیه این کشور ادامه می‌دهند.

در همین ارتباط است که دو هواپیمای نیروی هوایی چین، بار دیگر به حریم هوایی هند در ایالت جامو و کشمیر تجاوز کردند. این دومین بار در سال جدید است که هواپیماهای چین به حریم ارتباط است که دو هواپیمای هند، در ایالت مایپور هند، تروریست‌هایی که از طرف چین حمایت می‌شوند، همچنان به خرابکاری خود در هند ادامه می‌دهند.

روزنامه «گرانما» چاپ کوبا نوشت: پایگاه‌های نظامی امریکا در عربستان سعودی، در درجه اول علیه ایران خواهد بود

واشنگتن تلاش دارد یک پیمان نظامی میان رژیم‌های ارتجاعی امریکای جنوبی و نژادپرستان آفریقایی جنوبی ایجاد کند.

روزنامه «گرانما» چاپ هوانا، طی مقاله‌ای، شبکه وسیع پایگاه‌های نظامی امریکا در خارج از کشور را به شاخه‌های «اختاپوس» تشبیه کرده و نوشته است: «آمریکا با بزرگتر کردن و تجهیز هرچه بیشتر پایگاه‌های نظامی خرد با سلاح‌های نیرومند تهاجمی، تهدیدی جدی برای آرمان صلح و تهنج‌زدائی و علیه جنبش‌های رهایی‌بخش و استقلال خلقها بوجود آورده است. امریکا تلاش می‌کند، که کشورهای سوسیالیستی را مورد شانتاژ قرار دهد.»

«گرانما» می‌افزاید: «واشنگتن و قیحه‌انه ادعا می‌کند که نیم میلیون نظامی این کشور در ۱۱۴ کشور، برای حفظ «امنیت ملی» و «منافع حیاتی» امریکا مستقر هستند. زیردرباری‌های اتمی، ژوهای هواپیمابر، موشک‌های هسته‌ای و بمب‌افکن‌های حامل بمب اتمی در ۲۵۰۰ پایگاه امریکایی در خارج، تحت این قبیل دستاویزهای پوچ، گسیل می‌شوند.»

«گرانما» در جای دیگر، با اشاره به حضور نظامی ربه‌افزایش امریکا در جهان، می‌نویسد:

«امپریالیسم امریکا حضور نظامی خود را در انفجار آمیزترین مناطق جهان افزایش داده و می‌دهد. بعنوان مثال، در حال حاضر، پنتاگون، طرح ساختن پایگاه‌های نظامی در عربستان سعودی را، که در درجه اول علیه ایران خواهد بود، مورد توجه قرار می‌دهد. امریکا پایگاه‌های خود را، در گواتمالا و هندوراس نیز تقویت میکند. امپریالیسم امریکا با استفاده از شانتاژ و تحریک، قصد دارد که نفوذ خود را در کشورهای آفریقایی مرکزی و حوزه دریای کارائیب، که واشنگتن آنها را تیول خود می‌داند، نیز افزایش دهد. واشنگتن کماکان به تلاش برای سرهم‌بندی کردن یک پیمان نظامی میان ارتجاعی‌ترین رژیم‌های امریکای جنوبی و رژیم نژادپرست آفریقایی جنوبی، ادامه می‌دهد.»

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز
و مدیر مسئول:
منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
(دفتر نامه «مردم»
هنوز در اختیار
نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM
No. 422
18 January 1981

Price:
West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر با نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی
۱/۳۵۵۱، منطقه
۱۴ پستی تهران